

کامل  
عبادتی

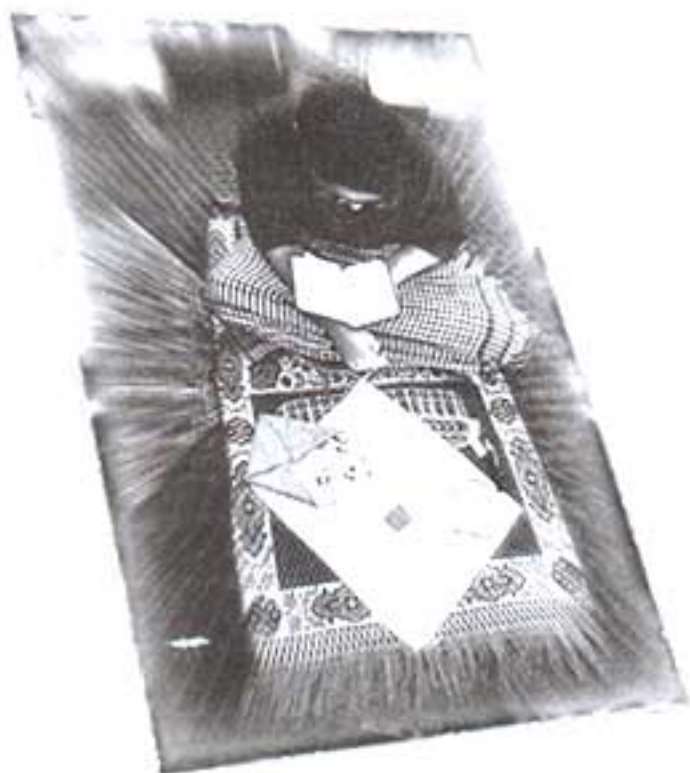
# اعتراف

مطابق با فتاویٰ  
حضرت آیت‌الله العظمیٰ مکارم شیرازی

حجۃ الاسلام والمسلمین ابوالقاسم علیان نژادی

# اعتراف

کامل  
عبادتی



حجت الاسلام والمسلمین ابوالقاسم علیان شادوی

فهرست نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام

علیان نژادی، ابوالقاسم، ۱۳۳۳ -

اعتکاف عبادتی کامل / تألیف ابوالقاسم علیان نژادی - قم: انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۸۵.

ISBN: 978-964-533-020-8

۱۵۰ ص

کتابنامه به صورت زیرنویس

۱. اعتکاف - الف - انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام - ب - عنوان

۲۹۷/۲۵۲

۶ الف ۸ / ۲ / ۱۸۸ BP

ناشر روز

نوردمین نهادشکاه دین المللی کتاب تهران

## اعتکاف عبادتی کامل

تألیف: ابوالقاسم علیان نژادی

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: هفتم

صفحه و قطع: ۱۵۰ صفحه / رقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۱

چاپخانه: سفیرانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۰۲۰-۸



قم - ابتدای خیابان شهلا - کوی آمار (۲۴) - پلاک ۱۵

تلفن: ۷۷۳۳۴۷۸ دورنگار: ۷۸۴۰۰۹۹

[www.imamaliqub.ir](http://www.imamaliqub.ir)

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فهرست مطالب

### پیشگفتار / ۱۱

#### فصل اول: اعتکاف در قرآن / ۱۳

- اعتکاف در قرآن مجید..... ۱۵
- چند نکته ..... ۱۹

#### فصل دوم: اعتکاف در احادیث معصومین علیهم السلام / ۲۳

- اعتکاف در احادیث معصومین علیهم السلام..... ۲۵
- ۱- اعتکاف معادل دو حج و عمره ..... ۲۵
- ۲- خداحافظی با بستر به هنگام اعتکاف..... ۲۷
- ۳- عبادات جایگزین اعتکاف..... ۲۸
- الف) حلّ مشکلات و برآورده کردن حاجات دیگران ..... ۲۹
- ب) نگاه به سیمای عالم..... ۳۰
- ج) زیارت سید الشهداء علیه السلام..... ۳۲
- د) نگاه خیرخواهانه به برادر دینی ..... ۳۳

### فصل سوم: سیره معصومین علیهم السلام در اعتکاف / ۳۵

- ۳۷ ..... سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله
- ۴۰ ..... اعتکاف امام حسن علیه السلام
- ۴۱ ..... اعتکاف امام حسین علیه السلام

### فصل چهارم: اعتکاف در ادیان دیگر / ۴۵

- ۴۷ ..... اعتکاف در ادیان دیگر

### فصل پنجم: زمان اعتکاف / ۵۳

- ۵۵ ..... زمان اعتکاف
- ۶۵ ..... چرا «ایام البیض» ماه رجب؟

### فصل ششم: احکام اعتکاف / ۶۷

- ۶۹ ..... احکام اعتکاف
- ۶۹ ..... الف) تعریف اعتکاف
- ۶۹ ..... ب) زمان اعتکاف
- ۷۰ ..... ج) اقسام اعتکاف
- ۷۰ ..... ۱- اعتکاف مستحبّ و واجب
- ۷۰ ..... ۲- اعتکاف اصلتی و نیابتی
- ۷۰ ..... د) شرایط اعتکاف

- شرط اوّل: ایمان ..... ۷۱
- شرط دوم: عقل ..... ۷۱
- شرط سوم: قصد قربت ..... ۷۲
- شرط چهارم: روزه ..... ۷۳
- شرط پنجم: کمتر از سه روز نباشد ..... ۷۴
- قطع اعتکاف ..... ۷۵
- نذر اعتکاف ..... ۷۶
- شرط ششم: در مسجد جامع باشد ..... ۷۹
- اعتکاف و غصب ..... ۸۲
- شرط هفتم: اذن شوهر، والدین و صاحب کار ..... ۸۳
- شرط هشتم: از مسجد خارج نشود ..... ۸۳
- مواردی که خروج از مسجد جایز نیست ..... ۸۴
- عدول از اعتکاف ..... ۸۶
- شرط عدول ..... ۸۶
- تعلیق در اعتکاف ..... ۸۸
- چیزهایی که بر معتکف حرام است ..... ۸۹
- ۱- آمیزش ..... ۸۹
- ۲- استمناء ..... ۹۰
- ۳- بوی خوش ..... ۹۰
- ۴ و ۵- خرید و فروش ..... ۹۰

۹۱	.....	۶- جدال
۹۱	.....	احکام محرّمات اعتکاف
۹۲	.....	اموری که اعتکاف را باطل می‌کند
۹۲	.....	قضای اعتکاف
۹۴	.....	کفّاره اعتکاف
۹۶	.....	خلاصه احکام اعتکاف

### فصل هفتم: استفتائات اعتکاف / ۱۰۱

۱۰۳	.....	استفتائات اعتکاف
۱۰۳	.....	اهمیت اعتکاف
۱۰۴	.....	فلسفه اعتکاف
۱۰۵	.....	اعتکاف در دیگر ادیان
۱۰۵	.....	اعتکاف استیجاری
۱۰۵	.....	شرایط اعتکاف
۱۰۵	.....	شرط اوّل: ایمان
۱۰۶	.....	شرط دوم: عقل
۱۰۶	.....	شرط سوم: نیت
۱۰۷	.....	شرط چهارم: روزه
۱۰۸	.....	شرط پنجم: کمتر از سه روز نباشد
۱۰۸	.....	نذر اعتکاف



شرط ششم: در مسجد جامع باشد .....	۱۱۰
شرط هفتم: اجازه شوهر یا پدر .....	۱۱۴
شرط هشتم: از مسجد خارج نشود .....	۱۱۵
محرمات اعتکاف .....	۱۲۲
مبطلات اعتکاف .....	۱۲۴
متفرقه .....	۱۲۷

### فصل هشتم: آداب اعتکاف / ۱۲۹

آداب اعتکاف .....	۱۳۱
-------------------	-----

### فصل نهم: آثار اعتکاف / ۱۳۵

آثار اعتکاف .....	۱۳۷
الف) غفران گناهان گذشته .....	۱۳۷
ب) تضمین آینده .....	۱۳۸
ج) زیارت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) .....	۱۳۹
د) عنایات خاصه .....	۱۴۱
ه) ثمرات دیگر اعتکاف .....	۱۴۱
کمال اعتکاف: .....	۱۴۲

فصل دهم: فلسفۀ اعتكاف / ۱۴۵

۱۴۷ ..... فلسفۀ اعتكاف

۱۴۹ ..... اعتكاف آری! انزوا هرگز ..

## پیشگفتار

انقلاب شکوهمند اسلامی ایران، که در سال ۱۳۵۷ به بار نشست، علاوه بر تأثیرات شگرفی که در بخش سیاسی و اجتماعی منطقه و جهان داشت، در حوزه معنویّت نیز آثار مثبت ملموس و غیر قابل انکاری از خود بجای گذاشت؛ که از جمله آنها، تقویت و گسترده‌گی سنتّ حسنه اعتکاف است. جایگاه اعتکاف در حال حاضر به هیچ وجه قابل مقایسه با قبل از انقلاب نیست. و ما باید شاگرد و قدردان این نعمتهای بزرگ الهی باشیم، تا افزون گردد.

\* \* \*

استقبال روزافزون مؤمنین، مخصوصاً جوانان عزیز از این عبادت پراثر و روح پرور، اقتضا می‌کند که کتابهای جدید با تحقیقات گسترده‌تر عرضه گردد.

در همین راستا، و ضمن قدردانی از عزیزانی که تاکنون آثاری در

این زمینه منتشر کرده‌اند، کتابی که در دست دارید در ده فصل خدمت شما عزیزان تقدیم می‌گردد:

۱- اعتکاف در قرآن

۲- اعتکاف در احادیث معصومین

۳- سیره معصومین در اعتکاف

۴- اعتکاف در ادیان دیگر

۵- زمان اعتکاف

۶- احکام اعتکاف

۷- استفتائات اعتکاف

۸- آداب اعتکاف

۹- آثار اعتکاف

۱۰- فلسفه اعتکاف

امید است معتکفین عزیز با مطالعه این کتاب ارزش کار خود را بیش از پیش شناخته، و با معرفت و شناخت بیشتری در این ضیافت بزرگ الهی شرکت نموده، و برای همه دعا کنند.

پیشاپیش از عزیزانی که پس از مطالعه دقیق کتاب ما را از نقطه نظرات خود آگاه می‌کنند تقدیر و تشکر نموده، و عزت و سربلندی همگان را در پیشگاه پروردگار خواستارم.

فصل اوّل:

# اعتكاف در قرآن



## اعتکاف در قرآن مجید:

کلمه اعتکاف در قرآن مجید ذکر نشده؛ اما هم خانواده‌هایش در نه آیه قرآن آمده است. به این آیات توجه کنید:

۱- در آیه ۱۲۵ سوره بقره می‌خوانیم:

«وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ  
إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهَّرَا  
بَيْتِي لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ؛» و (بخاطر  
آورید) هنگامی که خانه کعبه را محلّ بازگشت و مرکز  
امن و امان برای مردم قرار دادیم. و (برای تجدید  
خاطر،) از مقام ابراهیم، عبادتگاهی برای خود انتخاب  
کنید و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که: خانه مرا  
برای طواف کنندگان و مجاوران و رکوع کنندگان و  
سجده کنندگان پاکیزه کنید».

۲- دومین مورد استعمال یکی از هم خانواده‌های واژه اعتکاف، در آیه ۱۸۷ سوره بقره به چشم می‌خورد. در بخشی از این آیه طولانی چنین آمده است:

«نَّمَّ أَتَمُّوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَاشِرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرُبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ»؛ سپس روزه را تا شب تکمیل کنید. و در حالی که در مساجد به اعتکاف پرداخته‌اید، با زنان آمیزش نکنید. این، مرزهای الهی است، پس به آن نزدیک نشوید! خداوند، این چنین آیات خود را برای مردم روشن می‌سازد، باشد که پرهیزگار گردند».

۳- «یعکفون» سومین هم خانواده واژه اعتکاف است، که در آیه ۱۳۸ سوره اعراف آمده است. توجه کنید:

«وَجَاوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ عَلَى أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ»؛ و بنی اسرائیل را (سالم) از دریا عبور دادیم، (ناگاه) در راه خود به گروهی رسیدند که اطراف بت‌هایشان، با تواضع و خضوع، گرد آمده بودند. (در این هنگام، بنی اسرائیل) به موسی گفتند: تو هم برای ما معبودی قرار ده، همانگونه که آنها معبودان (وخدایانی)



دارند گفت: شما جمعیتی جاهل و نادان هستید».

۴- در آیه ۹۱ سوره طه در مورد یکی دیگر از مشتقات واژه «عکف»

می خوانیم:

«قَالُوا لَنْ نَّبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ»؛

ولی آنها گفتند: «ما همچنان گرد آن می گردیم (و به

پرستش گوساله ادامه می دهیم) تا موسی به سوی ما

باز گردد».

۵- پنجمین مورد استعمال هم خانواده اعتکاف، که همانند دو مورد

سابق در مورد بنی اسرائیل و انحرافات آنان سخن می گوید، در آیه ۹۷

سوره طه ذکر شده است. توجه بفرمایید:

«قَالَ فَأَذْهَبَ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ وَإِنَّ لَكَ

مَوْعِدًا لَنْ تُخْلَفَهُ وَانظُرْ إِلَىٰ إِلْهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ عَاكِفًا

لنَحْرَقَنَّهُ ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا»؛ (موسی) گفت: برو که

بهره تو در زندگی دنیا این است که (هر کس با تو نزدیک

شود) بگویی: با من تماس نگیر! و تو میعادی (از عذاب

خدا) داری، که هرگز تخلف نخواهد شد. (اکنون) بنگر

به این معبودت که پیوسته آن را پرستش می کردی، و ببین

ما آن را نخست می سوزانیم، سپس ذرات آن را به دریا

می پاشیم».

۶- استعمال ششم مربوط به داستان حضرت ابراهیم علیه السلام است. در آیه ۵۲ سوره انبیا چنین آمده است:

«إِنَّ قَالٍ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»؛ آن هنگام که (ابراهیم) به پدرش (آزر) و قومش گفت: «این مجسمه‌های بی‌روح چیست که شما همواره آنها را پرستش می‌کنید؟!».

۷- آیه ۲۵ سوره حج هفتمین مورد استعمال واژه مورد بحث را در خود جای داده است. به این آیه نیز توجه کنید:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ وَمَنْ يُرِدْ فِيهِ بِإِلْحَادٍ بِظُلْمٍ نُذِقْهُ مِنْ عَذَابٍ أَلِيمٍ»؛ کسانی که کافر شدند، و مؤمنان را از راه باز داشتند، و (همچنین) از مسجد الحرام، که آن را برای همه مردم، برابر قرار دادیم، چه کسانی که در آنجا زندگی می‌کنند، یا از نقاط دور وارد می‌شوند (مستحق عذاب دزدنا کنند)؛ و هر کس بخواهد در این سرزمین از راه حق منحرف گردد و دست به ستم زند، ما عذابی دردناک به او می‌چشانیم!».

۸- در آیه ۷۱ سوره شعرا، که همچون آیه قبل در مورد قوم حضرت ابراهیم علیه السلام است، می‌خوانیم:

«قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَاكِفِينَ»؛ (پدر و قوم

حضرت ابراهیم در پاسخش) گفتند: «بتهایی را

می پرستیم، و همه روز ملازم عبادت آنهایم».

۹- و آخرین مورد استعمال واژه مورد بحث، در آیه شریفه ۲۵ سوره

فتح آمده است. در بخشی از آیه مذکور می خوانیم:

«هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ

مَعْكُوفًا»؛ آنها کسانی هستند که کافر شدند و شما را از

(زیارت) مسجدالحرام و رسیدن قربانیهایتان به قربانگاه

بازداشتند».

### چند نکته:

۱- واژه اعتکاف در دو آیه از آیات نه گانه در معنای مثبت، و در

هفت مورد دیگر در معنای منفی به کار رفته است.

۲- از مجموع آیات نه گانه استفاده می شود که اعتکاف به معنای

عبادت و پرستش همراه با مجاورت و تداوم و استدامه است. بنابراین

شامل پرستشی که ویژگی مذکور را نداشته باشد، نمی شود.

۳- فقط در یک مورد از آیات نه گانه فوق، اعتکاف در معنای

مصطلح بکار رفته، و به یکی از احکام فقهی آن اشاره شده، و آن آیه

شریفه ۱۸۷ سوره بقره است.<sup>۱</sup> و بقیه ارتباطی با بحث ما ندارد.

۴- در تفسیر نمونه، در شرح و تفسیر آیه مذکور چنین آمده است:

«اعتکاف در اصل به معنای محبوس ماندن و مدتی طولانی در کنار چیزی بودن است. و در اصطلاح شرع توقّف در مساجد برای عبادت می باشد، که حداقل آن سه روز است، و شرط آن روزه داشتن و ترک بعضی دیگر از لذائذ است. این عبارت اثر عمیقی در تصفیة روح، و توجه مخصوص به پروردگار دارد، و آداب و شرایط آن در مباحث آینده خواهد آمد. البته این عبادت ذاتاً از مستحبات است، ولی در پاره‌ای از موارد استثنایی شکل و جوب به خود می‌گیرد. به هر حال در آیه ۱۸۷ سوره بقره تنها به یکی از شرایط آن، که عدم آمیزش با زنان (اعمّ از شب یا روز) است اشاره شده، آن هم بنخاطر ارتباط و پیوندی که با مسأله روزه دارد.»<sup>۲</sup>

۵- در تفسیر هدایت، جلد اول، صفحه ۳۱۹، در شرح آیه مذکور می‌خوانیم:

«اسلام عزلت و انزوای کامل از مردم را روا نداشته است، چه این کار مسئولیت انسان را در زندگی و نقشی که باید در اصلاح آن داشته

۱. برخی از فقها همچون صاحب جواهر<sup>رحمته‌الله</sup> و صاحب حدائق<sup>رحمته‌الله</sup> معتقدند که اعتکاف (در آیه شریفه ۱۲۵ سوره بقره نیز در معنای مصطلح بکار رفته است. (جواهرالکلام، ج ۱۷، ص ۱۶۰).

۲. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۵۳.

باشد، از میان می‌برد؛ ولی عزلت جستن موقتی را برای آنکه شخص مسلمان عزیمت و آرزو پیدا کند، و نیرومندتر از پیش به زندگی بازگردد، جایز دانسته است.

اعتکاف که همین عزلت‌گزینی موقتی است، یکی از همین روشهاست که در آن شخص مؤمن سه روز در مسجد می‌ماند، و روزه می‌گیرد و جز برای امر ضروری از آن خارج نمی‌شود، و در این حال شب و روز نزدیکی با زنان بر او حرام است».

۶- مرحوم علامه طباطبایی طبق آنچه که در ترجمه تفسیرالمیزان، جلد ۳، صفحه ۶۶ آمده می‌فرماید:

«عکوف» و «اعتکاف» به معنای ملازم شدن است. و اعتکاف در جایی عبارت است از ماندن در آن به طوری که از آن خارج نشود. و اعتکاف عبادت مخصوصی است که از جمله احکام آن ماندن در مسجد و بیرون نیامدن از آن، مگر از روی احتیاج و روزه گرفتن می‌باشد».



فصل دوم:

اعتكاف در احادیث معصومین علیهم السلام





## اعتکاف در احادیث معصومین علیهم السلام:

در مورد فضیلت اعتکاف و احکام مختلف آن، روایات فراوانی از حضرات معصومین علیهم السلام در دست است، که در این فصل به برخی از آنها که بیان کننده جایگاه اعتکاف در آموزه‌های دینی، و نشانه‌های اهتمام پیشوایان دین نسبت به آن است، اشاره می‌کنیم، تا معتکفین عزیز با معرفتی فزونتر، به این عبادت بزرگ بپردازند:

### ۱- اعتکاف معادل دو حج و عمره

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله طبق روایتی که مرحوم صدوق در کتاب من لایحضره الفقیه نقل کرده، می‌فرماید:

«اعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ عُمْرَتَيْنِ؛

اعتکاف یک دهه از ماه مبارک رمضان (اعم از اینکه دهه

اول باشد، یا دوم و یا سوم) معادل دو حج و دو عمره

است»<sup>۱</sup>.

از روایت فوق دو نکته استفاده می‌شود: نخست اینکه اعتکاف، که از جهاتی شبیه اعمال حج است، آن قدر فضیلت و ارزش دارد که بسان دو حج تمتع و دو عمره مفرده است.

دیگر اینکه، این فضیلت بزرگ هر چند نسبت به انجام این عبادت در هر مکانی صادق است، اما از جهت زمانی مخصوص اعتکاف در ده روز از ماه مبارک رمضان است. بدین جهت در روایات متعددی که بیانگر سیره و روش پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیرامون اعتکاف است، سخن از اعتکاف حضرتش در ماه مبارک رمضان دارد.

مثلاً در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می‌خوانیم:

«اعْتَكَفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأُولَى، ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوَسْطَى، ثُمَّ اعْتَكَفَ فِي الثَّلَاثَةِ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ يَعْتَكِفُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ؛ پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ (در یکی از سالها) در دهه اول ماه رمضان معتکف شد، و در سال بعد

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتکاف، باب ۱، ح ۳. در روایت دیگری که در مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۵۹ آمده، همان فضیلت در مورد اعتکاف در دهه آخر ماه مبارک رمضان، از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است و در روایت سومی همان فضیلت برای اعتکاف یک ماه کامل ماه رمضان بیان شده است. این تفاوتها مربوط به سلسله مراتب استحباب است.

در دهه دوم ماه مبارک اعتکاف کرد، و در سال سوم دهه آخر را برای اعتکاف انتخاب کرد و در سالهای بعد همواره در دهه سوم ماه مبارک رمضان اعتکاف می کردند.<sup>۱</sup>

حضرت رسول صلی الله علیه و آله آن قدر به اعتکاف اهمیت می داد که اگر در یک سال بنا به علتی موفق به انجام این عبادت مستحبی با ارزش نمی شد، در ماه رمضان سال بعد دو دهه معتکف می شدند. یک دهه برای همان سال، و یک دهه به عنوان قضای سال گذشته.

عن ابی عبدالله علیه السلام قال: کانت بدر فی شهر رمضان فلم یعتکف رسول الله صلی الله علیه و آله فلما ان کان من قابل اعتکف عشرين عشرًا لعامه و عشرًا قضاءً لما فاتته.<sup>۲</sup>

## ۲- خداحافظی با بستر به هنگام اعتکاف

طبق روایتی که مرحوم کلینی در کتاب کافی نقل کرده، امام صادق علیه السلام می فرماید:

«كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله إِذَا كَانَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ اعْتَكَفَ فِيهِ

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتکاف، باب ۱، ح ۴ و ۱ و ۵، و مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰.

۲. همان مدرک، ح ۲، و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴، و مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰.

الْمَسْجِدِ وَضُرِبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرِ، وَشَمَّرَ الْمِثْرَ، وَطَوَى  
فِرَاشَهُ؛ روش و سیره رسول خدا ﷺ (در مورد اعتکاف)  
همواره این بود: هنگامی که دهه آخر ماه مبارک رمضان  
فرا می‌رسید در مسجدالنَّبِیِّ معتکف می‌شد. برای  
حضرتش سایبانی نصب می‌کردند (زیرا در آن زمان  
هنوز مسجد سقف نداشت) و آستین همّت را بالا می‌زد  
و دامن به کمر می‌بست، و رختخواب خویش را جمع  
می‌کرد.<sup>۱</sup>

آری! آن حضرت آنچنان مشتاق این عبادت ارزشمند بود که به  
هنگام اعتکاف با بستر خواب و استراحت خداحافظی می‌کرد، تا هر  
چه بیشتر با خدای خویش راز و نیاز کند.

### ۳- عبادات جایگزین اعتکاف

بعضی از خوانندگان محترم به علل گوناگون توفیق درک این  
ضیافت الهی را ندارند، از سوی دیگر با مطالعه روایات مربوط به  
فضایل اعتکاف مشتاق درک این فضایل می‌شوند. آیا عبادات دیگری

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتکاف، باب ۱، ح ۱. شبیه این روایت در بحار الانوار،  
ج ۹۷، ص ۱۳۰ و من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۴ و ۱۸۵ و الاستبصار، ج ۲، ص ۱۳۱ و  
مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰ نیز آمده است.

وجود دارد که بتوان با انجام آن به فضیلت‌های اعتکاف دست یافت؟ خوشبختانه پاسخ این سؤال مثبت است. به نمونه‌هایی از این روایات توجه کنید:

### الف) حلّ مشکلات و برآورده کردن حاجات دیگران

طبق روایتی که در کتاب ثواب الاعمال مرحوم صدوق آمده، امام سجاد علیه السلام می‌فرماید:

«وَاللّٰهُ لَقَضَاءُ حَاجَتِهِ - يَعْنِي الْاٰخَ الْمُؤْمِنَ - اَحَبَّ اِلَى اللّٰهِ مِنْ صِيَامِ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ وَاعْتِكَافِهِمَا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ؛ به خدا قسم برآورده کردن نیاز برادر مؤمن (و حل مشکلی از مشکلات نیازمندان) در نزد من از دو ماه روزه پی در پی در مسجد الحرام، و دو ماه اعتکاف در آن مکان مقدّس ارزشمندتر است»<sup>۱</sup>.

اسلام دین جامع و کاملی است. همانقدر که به رابطه انسان با خدا اهمیّت می‌دهد، به همان نسبت بلکه بیشتر به مسلمانان سفارش می‌کند که از حال برادران دینی خود غافل نشوند، و در برطرف کردن

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ابواب الاعتکاف، باب ۱۲، ح ۳. مشابه حدیث مذکور در جلد ۷۴ بحار الانوار، ص ۳۱۴، ح ۷۳ و ص ۲۳۱، ح ۱۰۴ و ص ۲۳۳، ح ۲۱۱ و ص ۲۸۵، ح ۶ و ص ۳۱۲، ح ۷ و ص ۳۸۲، ح ۹۰ و ص ۳۲۷، ح ۹۸ و ص ۷۵، ح ۲۰، ح ۱۰ و ص ۷۸، ح ۲۱۷، سطر آخر آمده است.

مشکلات و گرفتاریهای آنان کوتاهی ننمایند.

در حدیث دیگری به نقل از امام صادق علیه السلام آمده است:

«مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَاجْتَهَدَ فِيهَا فَاجْرَى اللَّهُ عَلَى يَدَيْهِ قَضَاهَا كَتَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ حَجَّةً وَ عُمْرَةً وَ اعْتِكَافَ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامَهُمَا؛ هر کس در راه برآوردن حاجت برادر دینی اش گام بردارد و خداوند به دست او مشکل حاجتمند را حل کند، خدای عز و جلّ ثواب یک حج و عمره، و دو ماه اعتکاف در مسجد الحرام، و دو ماه روزه را برای او در پیرونده اعمالش ثبت می کند»<sup>۱</sup>.

احادیث در مورد کمک به دیگران، و باز کردن گره مشکلات زندگی برادران و خواهران دینی، فراوان است به گونه‌ای که مرحوم حاج شیخ عباس قمی رحمته الله علیه در سفینه البحار در واژه «حوج» بیش از چهل روایت در این زمینه نقل کرده است.

### ب) نگاه به سیمای عالم

حضرت علی علیه السلام که به شهادت دوست و دشمن، در علم و عبادت

بی نظیر بود، فرمودند:

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۰، ص ۵۵۵.

«جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ،  
وَالنَّظَرُ إِلَى الْعَالَمِ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنَ إِعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي  
الْبَيْتِ الْحَرَامِ...؛ یک ساعت همنشینی و مجالست با علما  
در نزد پروردگار از هزار سال عبادت محبوب تر است. و  
نگاه به چهره عالم در نزد خداوند محبوب تر از یک سال  
اعتکاف در مسجد الحرام است...»<sup>۱</sup>

آری! همنشینی و نگاه به چهره عالم این قدر ارزش و فضیلت دارد.  
البته نه هر عالمی، بلکه دانشمندانی که در هر نشستی کفه رذایل  
اخلاقی انسان را سبکتر، و بر وزن فضایل اخلاقی بیفزایند. بدین جهت  
امام باقر علیه السلام به ما سفارش می کند که با علمایی نشست و برخاست کنیم  
که ما را از وادی شک به یقین، و از کبر به سوی تواضع و فروتنی، و از  
ریا به سمت اخلاص، و از عداوت و دشمنی به خیرخواهی، و از  
دنیاطلبی و دنیاپرستی به سمت زهد و عدم وابستگی به دنیا رهنمون  
باشند.<sup>۲</sup>

خوشا به حال کسانی که در زمره چنین عالمانی هستند، و یا حداقل  
فیض درک حضور چنین دانشمندانی نصیب آنها می شود.

۱. بحار الانوار، ج ۱، ص ۲۰۳، ح ۳۳.

۲. همان مدرک، ح ۲۸.

### ج) زیارت سید الشهداء علیه السلام

ام سعید احمسیه می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام (در مدینه) رسیدم (تا از ایشان مرکب سواری عاریه بگیرم). کنیزکی وارد شد و خطاب به امام علیه السلام عرض کرد: مرکب آماده است. امام صادق علیه السلام رو به من کرده، فرمود: مرکب سواری را برای چه می خواهی؟ کجا می خواهی بروی؟ عرض کردم: می خواهم به زیارت قبور شهدا بروم. امام فرمود: امروز نرو، سپس فرمود: از شما مردم عراق تعجب می کنم که این مسیر طولانی را برای زیارت قبور شهدا طی می کنید و از زیارت سیدالشهدا غافلید، و آن را ترک کرده اید! عرض کردم: سیدالشهدا کیست؟! فرمودند: حسین بن علی علیه السلام.

عرض کردم: من زنی بیش نیستم (آیا می توانم به زیارت حضرتش بروم؟) فرمود: برای امثال تو (که توانایی سفرهای طولانی از عراق تا مدینه را دارید) اشکالی ندارد که به مرقد سیدالشهدا سفر نموده، و به زیارت آن حضرت نائل شوید. عرض کردم: زیارت آن حضرت چه اجر و ثوابی دارد؟ فرمودند:

«كَعْدَلِ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ اِعْتِكَافٍ شَهْرَيْنِ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ صِيَامِهِمَا وَ خَيْرِهِمَا كَذَا؛ زیارت سیدالشهدا معادل یک حج و یک عمره و دو ماه اعتکاف در



مسجد الحرام به همراه دو ماه روزه اش ثواب دارد»<sup>۱</sup>.  
 ام سعید می گوید: حضرت دو دستش را باز کرد، سپس آنها را به هم  
 ضمیمه نمود و این کار را سه بار تکرار کرد.

#### (د) نگاه خیرخواهانه به برادر دینی

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند:

«نَظَرُ الرَّجُلِ إِلَى أَخِيهِ عَن شَوْقٍ خَيْرٌ مِنْ إِعْتِكَافٍ سَنَةٍ فِي  
 مَسْجِدِي هَذَا؛ نگاهی مشتاقانه به برادر دینی از یکسال  
 اعتکاف در مسجد من (مسجد النبی) بهتر است»<sup>۲</sup>.

۱. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۷۱، ح ۱۴.  
 ۲. کنز العمال، ج ۳، ص ۴۱۵، ح ۷۲۱۱.



فصل سوم:

سیره معصومین علیهم السلام در اعتکاف



## سیره رسول خدا ﷺ:

در میان حضرات معصومین علیهم السلام بیشترین روایات پیرامون اعتکاف از حضرت رسول صلی الله علیه و آله وارد شده است. این احادیث هم در منابع شیعه آمده، و هم اهل سنت آنها را در کتب مختلف خود نقل کرده‌اند. به گوشه‌ای از این روایات توجه کنید:

۱- ابوهریره می‌گوید:

«كان رسول الله ﷺ يعتكف في كل رمضان عشرة أيام فلما كان العام الذي قبض فيه اعتكف عشرين يوماً؛ سیره پیامبر این بود که در هر ماه رمضان ده روز معتکف می‌شد، و در آخرین ماه رمضان عمر شریفش بیست روز در حال اعتکاف بود»<sup>۱</sup>.

---

۱. السنن الكبرى، ج ۴، ص ۳۱۴.

از روایت فوق استفاده می‌شود که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پس از تشریح اعتکاف، همه ساله تا آخر عمر مبارکش حدّ اقل ده روز در ماه مبارک معتکف می‌شد.

۲- ابی بن کعب می‌گوید:

«ان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كان يعتكف العشر الاواخر من رمضان فساfer عاماً فلم يعتكف، فلما كان من قابل اعتكف عشرين يوماً؛ روش پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ این بود که در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف می‌بست، یکسال به خاطر مقارن شدن مسافرت با ایام اعتکاف موفق به اعتکاف نشده و لذا سال بعد بیست روز معتکف شد»<sup>۱</sup>.

از این روایت، علاوه بر آنچه در روایات بالا گفته شد، استفاده می‌شود که آن حضرت دهه آخر ماه مبارک رمضان را برای اعتکاف انتخاب می‌کرد و اگر به علتی در یکسال موفق بر اعتکاف نمی‌شد سال بعد قضای آن را به جا می‌آورد.

۳- مالک می‌گوید:

«كان رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ اذا كان مقيماً اعتكف العشر الاواخر، و اذا سافر اعتكف العام المقبل عشرين عاماً»<sup>۲</sup>.

۱. السنن الكبرى، ج ۴، ص ۳۱۴.

۲. همان مدرک. شبیه این روایت در کنز العمال، ج ۱۸۰۹۱ نیز آمده است.

۴- عایشه همسر پیامبر می گوید:

«ان النبي صلى الله عليه وآله كان يعتكف العشر الاوخر من رمضان حتى توفاه الله عزوجل؛ پیامبر صلى الله عليه وآله همواره در دهه آخر ماه رمضان معتکف می شد تا جان به جان آفرین تسلیم کرد و به ملاقات خدا شتافت».<sup>۱</sup>

زهری می گوید:

«عجباً للناس تركوا الاعتكاف، و قد كان رسول الله صلى الله عليه وآله يفعل الشيء و يتركه و لم يترك الاعتكاف منذ دخل المدينة الى ان مات؛ تعجب است که چرا مردم اعتکاف را رها کرده اند؟ در حالی که پیامبر اسلام گاه مستحبات را بجا می آورد و گاه آن را ترک می کرد. اما از هنگام هجرت به مدینه هرگز آن را ترک نکرد تا وفات کرد».<sup>۲</sup>

این روایت علاوه بر بیان اعتکاف سیزده ساله پیامبر اسلام صلى الله عليه وآله نشان می دهد که آغاز سنت اعتکاف ابتدای ورود رسول خدا به شهر مدینه بوده است.

۱. السنن الكبرى، ج ۴، ص ۳۱۵.

۲. بدایع الصنایع، به نقل از الفقه المقارن، کتاب الصوم، ج ۱، ص ۸۲.

## اعتکاف امام حسن علیه السلام:

میمون بن مهران چنین نقل می‌کند:

«كُنْتُ جَالِساً عِنْدَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عليه السلام فَأَتَاهُ رَجُلٌ، فَقَالَ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله إِنَّ فُلَانًا لَهُ عَلَيٌّ مَالٌ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحْسِبَنِي، فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا عِنْدِي مَالٌ فَأَقْضِيَ عَنْكَ، قَالَ: فَكَلَّمُهُ، قَالَ: فَلَيْسَ عليه السلام نَعْلُهُ، فَقُلْتُ لَهُ: يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنْسَيْتَ اعْتِكَافَكَ؟ فَقَالَ لِي: لَمْ أَنْسَ، وَ لَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي عليه السلام يُحَدِّثُ عَنْ جَدِّي رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه وآله أَنَّهُ قَالَ: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَبْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ تِسْعَةَ آلَافِ سَنَةٍ، صَائِمًا نَهَارَهُ، فَأَتَمًّا لَيْلَهُ؛ در خدمت امام حسن مجتبی علیه السلام نشسته بودم که مردی به حضور حضرت رسید و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! فلان کس طلبی از من دارد که می‌خواهد بخاطر آن مرا زندانی کند، کمکم کن. حضرت فرمود: به خدا قسم پولی که بتوانم با آن بدهی تو را بپردازم در اختیار ندارم. عرض کرد: پس با او صحبت کنید، (تا مهلت دهد و مرا زندانی نکند) حضرت کفشهای خود را پوشید که همراه او برود. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! آیا فراموش کرده‌ای که در حال اعتکاف هستی؟ فرمود: فراموش نکرده‌ام،



لکن از پدرم شنیدم که از جدم رسول خدا نقل کرد که آن حضرت فرمودند: هر کس در راه برآورده شدن حاجت برادر دینی اش تلاش کند گویا نُه هزار سال خداوند را عبادت کرده است، در حالی که روزه‌ها روزه بوده و شبها به نماز ایستاده است»<sup>۱</sup>.

از این حدیث پر معنا دو نکته مهم استفاده می شود: نخست اینکه اعتکاف امام حسن علیه السلام، البته طبق روایت ابن عباس، در مسجد الحرام بوده است.

دیگر، اهمیت فوق العاده کمک به برادران و خواهران دینی در رفع حوائج و مشکلاتشان، که این مطلب در روایات اسلامی بطور گسترده مطرح شده است.<sup>۲</sup>

از خداوند متعال می خواهیم که توفیق این عبادت بزرگ را به همه ما عنایت فرماید.

### اعتکاف امام حسین علیه السلام:

صفوان جمال می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که

۱. میزان الحکمه، واژه اعتکاف، باب ۲۸۲۹، ح ۱۳۶۲۹؛ وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۹. شبیه این روایت به نقل از ابن عباس در سفینه البحار ماده «حوج»، و مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۵ نیز نقل شده است.

۲. بخشی از این روایات در مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۹ آمده است.

مردی از اهل مکه به نام میمون به محضر حضرت شرفیاب شد و از مشکل پرداخت مال الاجاره شکایت کرد. حضرت به من فرمود: برخیز و به برادر دینی‌ات کمک کن تا مشکلت حل شود. برخوایم و همراه او رفتم، و خداوند کمک کرد و مشکلت حل شد. به خدمت حضرت بازگشتم. امام فرمود: برای حلّ مشکل برادر مسلمانان چه کردی؟ عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت! خداوند مشکل وی را حل کرد. امام فرمود: آگاه باش اگر به برادر مسلمانان کمک کنی، این کار از یک هفته طواف برگرد خانه خدا در نزد من بهتر است.

سپس فرمود:

«ان رجلاً اتى الحسن بن على عليه السلام فقال: بابى انت و امى اعنى على قضاء حاجة، فانتعل و قام معه، فمرّ على الحسين عليه السلام و هو قائم يصلى، فقال: اين كنت عن ابى عبدالله تستعينه على حاجتك قال: قد فعلت بابى انت و امى فذكر انه معتكف، فقال له: اما انه لو اعانك لكان خيراً من اعتكافه شهراً؛ مردی خدمت امام حسن مجتبی عليه السلام رسید و عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! به من کمک کن تا مشکلم را حل کنم. حضرت کفشهایش را پوشید و همراه آن مرد رفت تا مشکلتش را حل کند. در بین راه به امام حسین برخورد کرد که در حال نماز بود. به

آن شخص فرمود: چرا از امام حسین علیه السلام برای حل مشکلات کمک نگرفتی؟ آن مرد عرض کرد: پدر و مادرم به فدایت! این کار را کردم، ولی گفتند که ایشان در حال اعتکاف است. امام حسن علیه السلام فرمودند: اگر ایشان مشکل تو را حل می‌کرد، ثواب آن از یک ماه اعتکاف بیشتر بود.<sup>۱</sup>

مرحوم محدث قمی پس از نقل روایت فوق سؤال زیرا را مطرح می‌کند: چرا امام حسین علیه السلام به سراغ حلّ مشکل آن شخص، که ارزش آن از اعتکاف بیشتر بود، نرفت؟

و در پاسخ، احتمالاتی را مطرح می‌کند که از جمله:

آن شخص مشکلی را با خود امام حسین علیه السلام مطرح نکرد، بلکه با یکی از خادمان آن حضرت مطرح نمود، و هنگامی که متوجه شد امام در حال اعتکاف است، به سراغ امام حسن علیه السلام رفت.

به هر حال این حدیث زیبا نیز علاوه بر اهمیت فراوان ارزش کمک به دیگران، اشاره به اعتکاف امام حسین علیه السلام دارد.

۱. سفینة البحار، واژه «حوج». حدیث مذکور بصورت کوتاه در مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۶۵۶ نیز آمده است، با این تفاوت که به جای «خیراً من اعتکافه شهرأ» (خیراً له من اعتکاف ثلاثین سنة) آمده است.



فصل چهارم:

## اعتکاف در ادیان دیگر



## اعتکاف در ادیان دیگر:

مرحوم علامه حلی رحمته اللہ علیہ معتقد است که اعتکاف اختصاص به اسلام ندارد، بلکه در ادیان الهی گذشته نیز بوده است. ایشان در جلد اول کتاب تذکرة الفقهاء، صفحه ۲۸۴ در ابتدای مبحث اعتکاف می‌فرماید:

«و هو مشروع فی شریعتنا و الشرایع السابقة و مستحب باجماع العلماء؛ اعتکاف در اسلام و دیگر ادیان الهی تشریح شده، و به اتفاق تمام علما و دانشمندان اسلامی از مستحبات است.»

برای این مطلب می‌توان به شواهد و قرائنی استناد جست:

۱- برخی، از آیه ۱۲۵ سوره بقره استفاده کرده‌اند که مخاطب اولیة اعتکاف دو پیامبر بزرگ یعنی حضرت ابراهیم و اسماعیل علیهم السلام بوده‌اند، زیرا در آیه مذکور می‌خوانیم:

«وَعَهَدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ

وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ الشُّجُودِ؛ و ما به ابراهیم و اسماعیل امر کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و عاکفین و رکوع کنندگان و سجده کنندگان پاکیزه کنید».

مطلب مذکور نشانه خوبی بر کلام علامه حلی است، مشروط بر اینکه واژه عاکفین در آیه مورد بحث به معنای اعتکاف مصطلح باشد، همانگونه که برخی از مفسران قرآن و فقهای اسلام چنین برداشت کرده‌اند. اما اکثر مفسران و فقیهان واژه مذکور را به مجاوران و ساکنان مکه تفسیر کرده‌اند، که در این صورت آیه شریفه ارتباطی به اعتکاف نخواهد داشت.

۲- در کتاب المفصل فی تاریخ العرب، جلد ۶، صفحه ۵۰۹ پیرامون اعتکاف پیروان آیین حنیف آمده است:

«اعتکاف در غارها و بیابانها و کوهها، به عده‌ای از حنفا نسبت داده شده است. اهل اخبار و تاریخ ذکر کرده‌اند که آنان در جاهای خلوتی، که از مردم دور باشد، به اعتکاف پرداخته و خود را در آن مکان محبوس می‌کردند، و جز برای نیازهای شدید، و ضرورت، از آن خارج نمی‌شدند. و در آن اماکن به عبادت و تأمل و تفکر در هستی پرداخته، و در جستجوی راستی و حقیقت بودند. سپس در آن اماکن خاموش و آرام مثل غار حرا، به عبادت مشغول می‌شدند».<sup>۱</sup>

۱. خلوت انس، ص ۳۱.



این مطلب شاهد خوبی بر وجود اصل اعتکاف بصورت اجمالی در پیش از اسلام است. اما اینکه چه شرایط و آدابی داشته، و آیا مطابق دستور انبیا و اولیا انجام می شده یا نه؟ روشن نیست.

۳- طبق آنچه مرحوم مجلسی از طبرسی رحمته الله علیه نقل کرده، حضرت سلیمان عليه السلام اعتکافهای طولانی داشته است. توجه کنید:

«ان سليمان عليه السلام كان يعتكف في مسجد بيت المقدس السنة، و السنيتين، و الشهر و الشهرين و اقل و اكثر و يدخل فيه طعامه و شرابه و يتعبد فيه؛ حضرت سليمان همواره در مسجد بيت المقدس معتكف می شد. گاه یکسال، گاه دو سال، گاه یک ماه و گاه دو ماه و گاه کمتر و بیشتر از این مدت طول می کشید. و در مدت اعتکاف مشغول عبادت بود، و آب و غذا برایش می آوردند تا از مسجد خارج نشود».

و در ادامه تصریح می کند که آن حضرت به هنگام مرگ در حال اعتکاف بود.<sup>۱</sup>

۴- مرحوم ابن ادریس معتقد است که حضرت موسی عليه السلام در مدت چهل روزی که برای گرفتن کتاب آسمانی به کوه طور عزیمت کرده

۱. بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۴۱.

بود، روزه گرفته، و در حال اعتکاف بود.<sup>۱</sup> بنابراین اعتکاف در آیین حضرت موسی علیه السلام نیز مشروع بوده است.

۵- مرحوم علامه مجلسی رحمته الله داستانی از اعتکاف حضرت الیاس در جلد ۱۳، بحار الانوار، صفحه ۴۰۳ نقل کرده است.

۶- عبدالله بن عمر از پدرش عمر بن خطاب نقل می‌کند که به رسول خدا عرض کردم: من در زمان جاهلیت نذر کردم که در مسجد الحرام معتکف شوم. آیا عمل به چنین نذری لازم است؟ حضرت رسول فرمودند:

«أوف بنذرك؛ به نذرت عمل کن».<sup>۲</sup>

از حدیث فوق استفاده می‌شود که اعتکاف در عصر جاهلیت و قبل از ظهور اسلام امر رایجی بوده است.

و لکن این روایت قابل استدلال نیست زیرا عبارتهای آن به صورتهای مختلف نقل شده است. مثلاً در همان مأخذ و در همان صفحه در روایت دیگری کلمه «لیلة» اضافه شده است. یعنی «در عصر جاهلیت نذر کردم که یک شب معتکف شوم» در حالیکه می‌دانیم اعتکاف کمتر از سه روز از نظر اسلام امکان‌پذیر نیست. و در نقل دیگری در همان کتاب و همان صفحه آمده است که قبل از مسلمان

۱. بحار الانوار، ج ۸۶، ص ۳۸.

۲. السنن الکبری، ج ۴، ص ۷۶.

شدن چنین نذری کردم و پس از اسلام آوردن حکم آن را از پیامبر ﷺ پرسیدم و حضرت فرمود: «به نذرت عمل کن» و این مطلب دلالت ندارد که نذر او قبل از اسلام بوده است، زیرا عمر از اولین کسانی نبود که اسلام را پذیرفت. شاید نذر او پس از ظهور اسلام و قبل از مسلمان شدن وی بوده است. و در جلد چهارم، السنن الکبری، صفحه ۳۱۷ به جای «فی الجاهلیة» «فی الشریک» آمده است.

بنابراین با توجه به عبارات مختلف حدیث مذکور، نمی توان در این بحث به آن استدلال کرد. مخصوصاً که نذرهای در حال شرک پس از اسلام آوردن قابل عمل نیست، و لهذا مرحوم سید مرتضی در کتاب المسائل الناصریات، عبارت «فی الجاهلیة» را بر زمانی که مسلمانان به مدینه هجرت کردند و اعتکاف تشریح شد و عمر چنین سؤالی را مطرح کرد، حمل کرده است. بنابراین منظور عمر زمان اقامت وی در مکه بوده است، یعنی هنگامی که هنوز مکه فتح نشده بود، و مردم مکه در حال و هوای دوران جاهلیت به سر می بردند.<sup>۱</sup>

بنابراین حدیث مذکور، گذشته از اینکه از نظر سند محلّ گفتگوست، دلالتی بر رواج اعتکاف قبل از اسلام ندارد. نتیجه اینکه از مجموع ادله ششگانه - هر چند برخی از آنها را

۱. سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۶، ص ۱۱۹.

نپذیرفتیم - استفاده می‌شود که اعتکاف اختصاص به اسلام ندارد،  
و اجمالاً در برخی از شرایع و ادیان گذشته نیز وجود داشته است.

فصل پنجم:

## زمان اعتکاف



## زمان اعتکاف:

اعتکاف از نظر مکان محدودیت دارد، زیرا فقط در مساجد جامع امکان پذیر است، همانگونه که از نظر مدت مقید به سه روز است و کمتر از آن جایز نمی باشد. از جهت شرایط اعتکاف کننده و چیزهایی که در طول مدت اعتکاف بر وی حرام می گردد و مانند آن نیز محدودیتهایی دارد، اما از نظر زمان محدودیتی ندارد. یعنی در هر زمانی که امکان روزه گرفتن وجود داشته باشد، معتکف می تواند به این ضیافت الهی بار یابد، و در این میهمانی رحمانی شرکت کند.

ولی بی شک بهترین زمان برای این عبادت سرشار از معنویت، ماه مبارک رمضان، مخصوصاً دهه آخر آن است.

برای اثبات این مطلب می توان به امور زیر استناد کرد:

۱- اینکه تنها آیه مربوط به اعتکاف (بقره، ۱۸۷) در ضمن مسائل مربوط به ماه مبارک رمضان آمده، نشان از ارتباط تنگاتنگ این دو

می‌دهد.<sup>۱</sup>

۲- رسول خدا ﷺ از هنگام تشریح اعتکاف، که در مدینه رخ داد،<sup>۲</sup> تا زمان رحلت همواره ماه مبارک رمضان را برای اعتکاف انتخاب می‌کرد.<sup>۳</sup>

۳- پیامبر اسلام ﷺ آن قدر به اعتکاف، مخصوصاً در دهه آخر ماه

۱. تفسیر القاسمی، ج ۳، ص ۴۶۲.

۲. ظاهراً اعتکاف در بدو ورود پیامبر ﷺ به مدینه تشریح شد، بلکه از بعضی روایات استفاده می‌شود که این عبادت در مکه تشریح شده بود، زیرا می‌دانیم جنگ بدر در سال دوم هجرت رخ داد و پیامبر ﷺ به خاطر حضور در جنگ موفق به اعتکاف نشد و در سال بعد یعنی رمضان سال سوم هجرت بیست روز معتکف شد که ده روز آن قضای سال قبل و ده روز دیگر برای همان سال بود و در حدیثی که ذیلاً از کتاب الغارات نقل می‌شود آمده است که حضرت دو سال قبل از جنگ بدر معتکف می‌شده است. توجه کنید: «عن امیر المؤمنین علیه السلام قال: ان رسول الله صلی الله علیه و آله اعتکف عاماً فی العشر الاول من شهر رمضان، واعتکف فی العام المقبل فی العشر الاوسط، فلما کان العام الثالث رجع من بدر فقضی اعتکافه... فلم یزل یعتکف فی العشر الاواخر حتی توفاه الله تعالی». نتیجه اینکه پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در طول دوران اقامت در مدینه هر سال، ده روز از ماه مبارک رمضان را معتکف می‌شد.

۳. البته در برخی روایات اهل سنت اعتکاف آن حضرت در دهه اول ماه شوال نیز نقل شده است. مانند روایتی که بیهقی در کتاب السنن الکبری، جلد ۴، صفحه ۳۱۸ به نقل از عائشه آورده است: «ان النبی صلی الله علیه و آله اعتکف فی العشر الاول من شوال».

و روایات دیگری که در صفحات ۳ و ۳۲۲ همان کتاب نقل شده است که برخی معتقدند قضای اعتکافی بوده که در ماه رمضان موفق بر انجام آن نشده است (تفسیر القاسمی، ج ۳، ص ۴۶۳) اما در منابع خاصه تنها اعتکاف در ماه رمضان از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است. حتی در سال وقوع جنگ بدر که موفق بر اعتکاف در ماه رمضان نشد، قضای آن را در ماه رمضان سال بعد بجا آورد، که به روایات آن در فصل «اعتکاف در احادیث معصومین» اشاره شد.



مبارک رمضان، اهمیت می‌داد که گاه در شب بیست و یکم ماه مبارک برای مسلمانان خطبه‌ای می‌خواند، و آنها را به دعا و نیایش سفارش می‌کرد، سپس بساط اعتکاف را در مسجدالنبی می‌چید، و مردم را با سخن و عمل به این عبادت با ارزش دعوت می‌کرد.

امام صادق علیه السلام در این زمینه چنین می‌فرماید:

«إِنَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَأَمَّ أَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَّخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَ أَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ! قَدْ كَفَّأَكُمُ اللَّهُ عَدْوَكُمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ، وَ وَعَدَّكُمْ الْإِجَابَةَ فَقَالَ: ﴿أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ أَلَا وَ قَدْ وَكَّلَ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ سَبْعَةَ أَمْلاكٍ، فَلَيْسَ بِمَحْلُولٍ حَتَّى يَنْقُضِيَ شَهْرَكُمْ هَذَا، أَلَا وَ أَبْوَابُ السَّمَاءِ مُفْتَحَةٌ مِنْ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْهُ إِلَى آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْهُ، أَلَا وَ الدُّعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ» ثُمَّ شَمَّرَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ شَدَّ مِئْزَرَهُ وَ بَرَزَ مِنْ بَيْتِهِ وَ اعْتَكَفَهُنَّ وَ أَحْيَا اللَّيْلَ كُلَّهُ وَ كَانَ يَغْتَسِلُ كُلَّ لَيْلَةٍ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ؛ رَسُولُ خَدَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در اولین شب از دهه آخر ماه مبارک رمضان خطبه‌ای می‌خواند، و پس از حمد و ثنای خداوند متعال می‌فرمود: ای مردم! خداوند شر دشمنان (اعم از انسیان و جنیان) را از شما دور کرده، و به شما وعده اجابت دعاهایتان را نیز داده است. آنجا که فرمود: «مرا بخوانید

تا اجابت کنم خواسته‌های شما را» آگاه باشید که خداوند در ماه مبارک رمضان برای هر شیطان سرکشی هفت فرشته را مأمور کرده تا به سراغ شما نیایند، این نگهبانان تا پایان ماه رمضان با شیاطین هستند. آگاه باشید درهای رحمت پروردگار از شب اول ماه رمضان تا شب آخر آن باز است. آگاه باشید که دعا در این ماه مقبول است» سپس حضرت رسول ﷺ آستین همّت را بالا می‌زد و دامن به کمر می‌بست و از خانه خارج می‌شد و دهه آخر این ماه را معتکف می‌گشت، و در تمام شبهای دهگانه شب زنده‌داری نموده، و هر شب بین نماز مغرب و عشا غسل می‌کرد»<sup>۱</sup>

این ریزه کاریها برای آن بود که اعتکاف در ماه مبارک رمضان مخصوصاً دهه آخر آن در ذهن مسلمانان باقی بماند، و بدان اهتمام ورزند.

در روایت دیگری که امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارشان و او از پدرانش، از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده می‌خوانیم:

«اعتکاف شهر رمضان يعدل حجّین و عمرّین؛ اعتکاف

۱. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰ و ۵۵۹.

یک ماه رمضان معادل دو حج و دو عمره است.<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام به نقل از پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«هر کس ده روز آخر ماه رمضان را معتکف شود، گویا

حج و عمره‌ای بجا آورده است.»<sup>۲</sup>

و در حدیث دیگری که امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده

می‌خوانیم:

«إِعْتِكَافُ الْعَشْرِ الْآخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَ

عُمْرَتَيْنِ؛ اعتکاف دهه آخر ماه مبارک رمضان معادل دو

حج و دو عمره است.»<sup>۳</sup>

تذکر: اینکه گاه برای یک عمل در برخی روایات ثواب و فضیلت‌های متفاوتی ذکر شده، بخاطر این است که میزان اخلاص و آگاهی انجام دهندگان آن متفاوت است. شخصی که از اخلاص بالاتر و آگاهی و معرفت بیشتری برخوردار است، ارزش و ثواب عبادت او نیز افزون‌تر خواهد بود.

۴- امام رضا علیه السلام نیز برای اعتکاف در ماه رمضان اهمیت ویژه‌ای

قائل است. توجه فرمایید:

۱. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۰ - ۵۵۹.

۲. منهج الصادقین، ج ۱، ص ۴۲۸.

۳. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۵۹.

«عُمْرَةٌ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ تَعْدِلُ حِجَّةً، وَاعْتِكَافٌ لَيْلَةً فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَعْدِلُ حِجَّةً، وَاعْتِكَافٌ لَيْلَةً فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ وَ عِنْدَ قَبْرِهِ يَعْدِلُ حِجَّةً وَ عُمْرَةً، وَ مَنْ زَارَ الْحُسَيْنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَعْتَكِفُ عِنْدَهُ الْعَشْرَ الْأَوَاخِرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَكَأَنَّمَا اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ النَّبِيِّ ﷺ وَ مَنْ اعْتَكَفَ عِنْدَ قَبْرِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ كَانَ ذَلِكَ أَفْضَلَ لَهُ مِنْ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ بَعْدَ حِجَّةِ الْإِسْلَامِ؛ عمره مفرده‌ای که در ماه رمضان انجام شود، معادل یک حج است. و هر شب اعتکاف در ماه رمضان معادل یک حج است. و هر شب اعتکاف در مسجد النبی ﷺ و در نزد قبر حضرت رسول ﷺ معادل یک حج و عمره است. و هر کس موفق به زیارت قبر مطهر امام حسین ﷺ شود، و در دهه آخر ماه مبارک رمضان در جوار قبر آن حضرت معتکف گردد، گویا در جوار قبر پیامبر خدا ﷺ معتکف شده است (و ثواب آن معادل یک حج و عمره است) و کسی که در کنار قبر پیامبر خدا ﷺ اعتکاف کند، این کار ارزشمندتر از حج و عمره‌ای است که بعد از حج واجب انجام می‌شود»<sup>۱</sup>.

۵- اعتکاف در دهه آخر ماه مبارک رمضان آنقدر مهم است که حضرت علی علیه السلام زمان دیگری را برای این عبادت ارزشمند سزاوار نمی‌داند.

«لَا اِعْتِكَافَ اِلَّا فِي الْعَشْرِ الْاَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضانَ»<sup>۱</sup>.

مانند این روایت از امام صادق علیه السلام نیز نقل شده است.<sup>۲</sup> شبیه این روایت در منابع اهل سنت نیز نقل شده است. مرحوم علامه در کتاب خود، تذکرة الفقهاء، جلد ۱، صفحه ۲۸۴ به نقل از اهل سنت چنین روایت می‌کند: «ان النبي صلى الله عليه وآله قال: «من اراد ان يعتكف فليعتكف في العشر الاواخر؛ هر کس دوست دارد معتکف شود در دهه آخر ماه مبارک رمضان اعتکاف کند».

۶- اعتکاف در ماه مبارک رمضان به گونه‌ای شهرت داشته که راویان حدیث نیز فقط از آن سؤال نموده، و برای اعتکاف آن زمان را انتخاب می‌کردند. به دو روایت زیر توجه فرمایید:

الف) ابوالصباح کنانی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام در مورد اعتکاف در دهه آخر ماه رمضان سؤال شد. (حضرت که گویا این مطلب را به خاطر روشن بودن آن بی‌نیاز از جواب می‌دانست، در مورد مکان اعتکاف که محل بحث و گفتگو بود، فرمود:) حضرت علی علیه السلام همواره

۱. الاستبصار، ج ۲، ص ۱۲۷.

۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۳۹۸.

می فرمود: اعتکاف تنها در مسجد الحرام و مسجد النبی و مساجد جامع جایز است.

«سئل عن الاعتکاف فی رمضان فی العشر الاواخر؟ قال: ان علیاً رضی الله عنه کان یقول: لا اری الاعتکاف الا فی المسجد الحرام او فی مسجد الرسول او فی مسجد جامع»<sup>۱</sup>.

ب) داود بن سرحان می گوید: توفیق حضور در مدینه در ماه مبارک رمضان را داشتم. خدمت امام صادق رضی الله عنه رسیدم، پرسیدم: می خواهم معتکف شوم، چه بگویم؟ و چه اموری را بر خود واجب گردانم؟ امام رضی الله عنه فرمودند: از مسجد جز در موارد ضرورت و نیاز خارج نشو، و اگر ضرورتی اقتضا کرد که از مسجد خارج شوی در زیر سایه منشین تا زمانی که به مسجد محلّ اعتکاف بازگردی.<sup>۲</sup>

نتیجه اینکه طبق روایات مذکور و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله ماه مبارک رمضان، مخصوصاً دهه آخر آن مناسبترین زمان برای اعتکاف است. بر همین اساس فقهای اسلام، اعمّ از شیعه و اهل سنت نیز اعتکاف در زمان مذکور را سفارش کرده اند. در بررسی شصت کتاب فقهی<sup>۳</sup> از

۱ و ۲. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۴۰۱ و ۴۰۸.

۳. کتابهای مذکور عبارتند از: ۲۴ کتابی که در جلد سوم سلسله الینابیع الفقهیه گردآوری شده، به اضافه ۱۳ کتابی که در جلد ۲۹ همان کتاب آمده، به علاوه کتاب جامع المقاصد، و شرح لمعه، و جامع المدارک که جمعاً چهل کتاب می شود که از فقهای شیعه است. و ۲۰ کتاب گردآوری شده در جلد اول «الفقه المقارن» که همگی از فقهای اهل سنت است.

شیعه و اهل سنت که در دسترس بود، هیچ اشاره‌ای به اعتکاف در خصوص ماه رجب یافت نشد، بلکه تمام کسانی که متعرض این بحث شده بودند، بهترین زمان اعتکاف را دهه آخر ماه مبارک رمضان بیان کرده‌اند.

به دو نمونه از کلمات فقهای اسلام، که یکی از شیعه و دیگری از اهل سنت است، توجه بفرمایید:

مرحوم شیخ طوسی رحمته الله در کتاب ارزشمند مبسوط می‌فرماید:

«والاعتکاف یجوز فی جمیع ایام السنة، و ان کان فی بعضها افضل منه فی بعض. و لا یجوز الاعتکاف فی الایام التي لا یصح صومها کالعیدین لان من شرطه الصوم و فی العشر الاواخر من شهر رمضان افضل منه من غیره لدخول لیلة القدر فیها؛ اعتکاف در تمام روزهای سال، به استثنای روزهایی که روزه گرفتن در آن حرام است (مثل عید فطر و قربان) جایز است، ولی دهه آخر ماه مبارک رمضان نسبت به دیگر ایام افضل است، زیرا شب قدر در آن ایام است.»<sup>۱</sup>

۱. به نقل از سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۲۹، ص ۱۰۰. مرحوم شیخ در کتاب نهاییه (به نقل از سلسله‌الینابیع الفقهیه، ج ۶، ص ۱۴۶) و صاحب مذهب (به نقل از همان کتاب، ص ۱۸۹) و نویسنده‌الجامع للشرایع (به نقل از همان کتاب، ص ۳۶۳) و علامه در قواعد الاحکام (به

ابراهیم بن محمد الشیرازی نویسنده کتاب المهدب، از فقهای اهل سنت در این زمینه می‌گوید:

«و يجوز الاعتكاف في جميع الايام و الافضل ان يعتكف في العشر الاواخر من شهر رمضان لحديث ابي ابن كعب و عائشه؛ اعتكاف در هر زمانی جایز است، ولی بهترین زمان آن دهه آخر ماه مبارک رمضان است. بخاطر آنچه را که ابي ابن کعب و عائشه<sup>۱</sup> از پیامبر گرامی اسلام ﷺ نقل کرده‌اند».<sup>۲</sup>

نتیجه اینکه اعتکاف در هر زمانی که روزه گرفتن جایز باشد مشروع است، ولی بی شک بهترین زمان برای این عبادت ارزشمند دهه پایانی ماه مبارک رمضان است. و علت آن، طبق آنچه از کلمات فقها استفاده می‌شود، سه چیز است:

→ نقل از همان کتاب، ص ۳۷۷) و محقق کرکی در جامع المقاصد، ج ۳، ص، ۹۴ و علامه مجلسی در بحار الانوار، ج ۹۵، و شهید ثانی در شرح لمعه، ج ۲، ص ۱۴۹، نیز به این مطلب اشاره کرده‌اند.

۱. منظور روایتی است که نویسنده مهذب در همان کتاب، ص ۳۳۸ بدان استدلال کرده است. متن روایت به شرح زیر است: «الاعتكاف سنة حسنة لما روى ابي بن كعب و عائشة: «ان رسول الله كان يعتكف العشر الاواخر من شهر رمضان و في حديث عائشة: «فلم يزل يعتكف حتى مات».

۲. به نقل از الفقه المقارن، ج ۱، ص ۳۴۱. نویسنده کتاب الکافی فی فقه اهل المدینه (به نقل از الفقه المقارن، ج ۱، ص ۲۰۸) و بدایة المجتهد (به نقل از همان کتاب، ص ۲۴۲) و المنهاج (به نقل از همان کتاب، ص ۳۶۳) نیز به مطلب مذکور اشاره کرده‌اند.



- ۱- شب قدر در دهه پایانی ماه مبارک رمضان است.
  - ۲- پیامبر گرامی اسلام ﷺ اعتکاف در این دهه را سفارش کرده است.
  - ۳- خود حضرت عملاً در این ایام معتکف شده است.
- بنابراین، برای درک شب قدر، و عمل به سفارش پیامبر ﷺ، و تاسی به سیره آن حضرت، انتخاب دهه آخر ماه مبارک رمضان برای اعتکاف بهترین انتخاب است.

### چرا «ایام البیض»<sup>۱</sup> ماه رجب؟

**سؤال:** چرا در عصر و زمان ما، نسبت به اعتکاف در ماه مبارک رمضان، مخصوصاً دهه آخر آن توجه زیادی نمی شود، و اعتکاف در روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم ماه رجب رایج گشته است؟

به تعبیر دیگر، با توجه به تأکید فراوان روایات معصومین علیهم السلام و سیره مستمره پیامبر عظیم الشان، و فتاوی فقهای اسلام در مورد اعتکاف در ماه مبارک رمضان به ویژه دهه پایانی آن، فلسفه اعتکاف در روزهای سه گانه ماه رجب چیست؟

**جواب:** برای اعتکاف در خصوص ماه رجب روایتی نیافتیم، و

---

۱. عرب به روزهای سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه قمری ایام البیض (روزهای سفید و روشن) می گوید؛ زیرا شبهای این سه روز، مهتابی و روشن است.

روایات موجود تنها نسبت به ماه رمضان، و در برخی از احادیث اهل سنت نسبت به ماه شوال تأکید دارد. اما در مورد ماههای دهگانه دیگر روایت خاصی وجود ندارد.

و شاید علت اعتکاف در خصوص ایام البیض ماه رجب سفارش فراوان روزه داشتن در این ایام، و فضیلت زیاد دعا و برآوردن شدن حاجات در این روزها و مانند آن باشد. و گرنه همانگونه که گذشت، به روایت خاصی در مورد اعتکاف در غیر ماه مبارک رمضان و شوال دست نیافتیم.

فصل ششم:

## احكام اعتكاف

بر اساس فتاواى حضرت آية الله العظمى مكارم شيرازى (مدّ ظلّه)



## احکام اعتکاف:

### الف) تعریف اعتکاف

مسأله ۱ - اعتکاف عبارت است از: «توقّف و ماندن در مسجد به قصد عبادت»، بنابراین، صرف ماندن در مسجد بدون قصد عبادت دیگری اعتکاف نامیده نمی‌شود، زیرا اطلاق ادلّه اعتکاف انصراف دارد به آنچه مسجد برای آن ساخته شده، که آن عبادت خدا و بندگی اوست، نه توقّف در مسجد بدون انجام هیچ عبادت دیگر، در حالی که غرق در مسائل دنیوی است، و اهمیتی به چیز دیگر نمی‌دهد.

### ب) زمان اعتکاف

مسأله ۲ - اعتکاف در هر زمانی از سال که روزه در آن صحیح باشد جایز است. بنابراین، در غیر عید فطر و قربان می‌توان معتکف شد، هر چند بهترین زمان اعتکاف ماه مبارک رمضان، و با فضیلت‌ترین آن، دهه

آخر این ماه پربرکت است.<sup>۱</sup>

### ج) اقسام اعتکاف

#### ۱- اعتکاف مستحبّ و واجب

**مسأله ۳-** اعتکاف در اصل مستحب است؛ ولی ممکن است به سبب نذر، یا عهد، یا قسم، یا شرط ضمن عقد، یا مانند آن واجب شود؛ و اما اعتکاف استیجاری مشکل است.

#### ۲- اعتکاف اصالتی و نیابتی

**مسأله ۴-** شخص معتکف می تواند برای خودش، یا به نیابت از میّتی معتکف شود؛ و اما اعتکاف از سوی حضرات معصومین علیهم السلام دلیل معتبری ندارد، مگر اینکه به قصد رجا انجام گیرد.

### د) شرایط اعتکاف

**مسأله ۵-** هشت چیز در صحّت اعتکاف شرط است:

۱- ایمان.

۲- عقل.

۱. روایات مربوط به این موضوع در فصل «اعتکاف در روایات» گذشت.

۳- قصد قربت.

۴- روزه.

۵- کمتر از سه روز نباشد.

۶- در مسجد جامع باشد.

۷- اذن زوج، والدین و صاحب کار.

۸- از مسجد خارج نشود.

مشروح احکام مربوط به شرایط مذکور در مباحث آینده خواهد آمد.

### شرط اول: ایمان

**مسأله ۶** - هر چند فقهای بزرگوار علیهم السلام ایمان را شرط صحّت اعتکاف دانسته‌اند، اما ایمان به ولایت شرط قبول است، نه شرط صحّت.

**مسأله ۷** - اگر مسلمانی به هنگام اعتکاف مرتد شود، اعتکافش باطل می‌شود (هر چند فوراً توبه کند)، مشروط بر اینکه در اثنای روز باشد، بلکه اقوی عدم تفاوت بین شب و روز در این مسأله است.

### شرط دوم: عقل

**مسأله ۸** - اعتکاف شخص دیوانه، حتی دیوانه ادواری چنانچه در

دور جنونش معتکف شود، صحیح نیست.

**مسأله ۹** - اعتکاف کسی که مست شده، یا به هر دلیل دیگر از نعمت بی بدیل عقل محروم است، صحیح نمی باشد.

### شرط سوم: قصد قربت

**مسأله ۱۰** - قصد قربت (یعنی انجام اعتکاف صرفاً برای رضایت پروردگار عالم) در همه عبادات، از جمله اعتکاف شرط است. بنابراین، چنانچه هدف معتکف ریا و خودنمایی و مانند آن باشد، اعتکافش باطل است.

**مسأله ۱۱** - در صورتی که اعتکافهای متعددی بر عهده داشته باشد، (مثل اینکه بر اثر نذر، قسم، عهد و شرط ضمن عقد، چهار اعتکاف بر خویش واجب کرده باشد) باید علاوه بر قصد قربت، در نیت خود هر چند اجمالاً معین کند که کدام یک از اعتکافهای مذکور را بجای آورد.

**مسأله ۱۲** - «قصد وجه» در اعتکاف، همانند سایر عبادتها، واجب نمی باشد. یعنی لازم نیست در نیت خود وجوب یا استحباب اعتکافی که بجای می آورد را تصریح کند.

**مسأله ۱۳** - هنگام نیت اعتکاف، قبل از اذان صبح است. امّا می تواند شب هنگام، قبل از خواب نیز نیت کند، مشروط بر اینکه این نیت در اعماق ذهنش باقی بماند.



**مسأله ۱۴** - چنانچه در اعتکاف مستحبی اشتبهاً قصد وجوب کند، یا در اعتکاف واجب اشتبهاً نیت استحباب کند، ضرری به اعتکافش نمی زند.

**مسأله ۱۵** - بازگشت و عدول از نیت اعتکاف جایز نیست؛ هر چند هر دو مستحب یا واجب باشد. بنابراین کسی که دو اعتکاف بر اثر نذر و قسم بر او واجب شده، و اکنون به نیت انجام اعتکاف نذری معتکف گردیده، نمی تواند نیت خود را به اعتکاف دیگر تغییر دهد. همچنین تغییر نیت اعتکافی که به نیابت از سوی فلان میّت صورت گرفته، به میّت دیگر، یا به انسان زنده جایز نیست. همانگونه که تغییر اعتکاف استیجاری به اعتکاف برای خویشان، یا بالعکس جایز نمی باشد.

**مسأله ۱۶** - انسان می تواند به نیابت از دیگری (به صورت مجانی) معتکف شود، ولی نمی تواند یک اعتکاف را به نیت چند نفر بجا آورد؛ البتّه می تواند اعتکاف را به نیت خود بجا آورد، و ثواب آن را به تعدادی از زنده ها، یا عدّه ای از اموات، یا تعدادی از زنده ها و مردگان اهدا کند.

### شرط چهارم: روزه<sup>۱</sup>

**مسأله ۱۷** - اعتکاف بدون روزه تحقق پیدا نمی کند. بنابراین،

---

۱. پیروان مکتب اهل بیت علیهم السلام و مالک بن انس و ابوحنیفه (دو تن از فقهای اربعه اهل سنت) روزه را شرط اعتکاف می دانند. اما یکی دیگر از فقهای چهارگانه اهل سنت یعنی شافعی، روزه را شرط نمی داند و حسن بصری معتقد است که اگر روزه را شرط کند واجب می شود و اگر شرط نکند واجب نیست. (روض الجنان، ج ۳، ص ۴۱) شرح بیشتر را در سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۶، ص ۱۱۹ مطالعه فرمایید.

اعتکاف مسافری که نمازش شکسته است، و اعتکاف زن حائض و زائو، که نمی‌تواند روزه بگیرد، صحیح نیست. همانگونه که اعتکاف در روز عید فطر و قربان صحیح نمی‌باشد.

**مسأله ۱۸-** اگر شخصی دو روز قبل از عید اعتکاف را شروع کند، با توجه به اینکه روز سوم در عید واقع می‌شود، اعتکافش صحیح نخواهد بود؛ هر چند به هنگام شروع غافل از این مسأله بوده است.

**مسأله ۱۹-** لازم نیست روزه مخصوص اعتکاف باشد، بلکه با هر روزه‌ای اعتکاف تحقق می‌یابد. بنابراین، می‌تواند با روزه‌های مستحبی، یا روزه قضا‌ی ماه رمضان، یا روزه کفاره ماه مبارک، یا کفاره نذر و عهد و قسم و قتل و مانند آن، معتکف شود. حتی اگر نذر اعتکاف کرده باشد (که بدین وسیله اعتکاف واجب گردیده) می‌تواند روزه مستحبی بگیرد. البته یک استثنا وجود دارد، و آن روزه استیجاری است، که قناعت کردن به آن مشکل است.

### شرط پنجم: کمتر از سه روز نباشد<sup>۱</sup>

**مسأله ۲۰-** هر گاه شخصی نیت اعتکاف کمتر از سه روز کند (مثلاً

---

۱. مالک، از فقهای عامه معتقد است که اعتکاف کمتر از ده روز جایز نیست. و پیروان مکتب اهل بیت علیهم‌السلام و همچنین فقهای مدینه کمتر از سه روز را جایز نمی‌دانند. ابوحنیفه، از دیگر فقهای اهل سنت یک روز را کافی می‌داند. و شافعی محدودیتی قائل نیست، بلکه معتقد است هر مقدار باشد کافی است، هر چند یک ساعت باشد. (روض الجنان، ج ۳، ص ۴۱) شرح بیشتر را در سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۶، ص ۱۱۱ مطالعه فرمایید.

یک یا دو روز) اعتکافش باطل است، اما بیش از سه روز اشکالی ندارد. هر چند مقدار اضافه، یک روز یا قسمتی از یک روز یا یک شب، یا قسمتی از یک شب باشد.

**مسأله ۲۱ -** اعتکاف از ناحیه حدّ اقل نباید کمتر از سه روز باشد، اما از ناحیه حدّ اکثر محدودیتی ندارد. البته اگر پنج روز طول کشید، روز ششم واجب می شود. بلکه بعضی از فقها معتقدند اعتکاف در هر مرحله‌ای از نظر تعداد روزها باشد، چنانچه دو روز به آن اضافه کند روز سوم واجب می شود. بنابراین، اگر به اعتکاف شش روزه خود دو روز اضافه کند، روز نهم واجب می شود، و اگر به اعتکاف نه روزه اش دو روز اضافه نماید، روز دوازدهم نیز واجب می شود، و... و لکن این سخن جای گفتگو دارد، و محلّ تأمل است.

**مسأله ۲۲ -** منظور از روز (در شرط پنجم) از ابتدای طلوع فجر (هنگام اذان صبح) تا غروب آفتاب است؛ هر چند احتیاط آن است که تا اذان مغرب محاسبه شود. بنابراین، اعتکاف شبِ اوّل و شب چهارم واجب نیست، هر چند جایز است؛ ولی شب دوم و سوم واجب است.

#### قطع اعتکاف:

**مسأله ۲۳ -** قطع اعتکاف مستحبّی در دو روز اوّل جایز است؛ اما اگر دو روز اوّل گذشت و آن را رها نکرد، در روز سوم واجب می شود،

و نمی توان آن را قطع کرد. اما اعتکاف نذری، اگر معین باشد (مثل اینکه نذر کرده در ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ ماه رجب معتکف شود) قطع آن جایز نیست و چنانچه غیر معین باشد، قطع آن جایز است.

#### نذر اعتکاف:

**مسأله ۲۴ -** هرگاه نذر کند که در روزهای معینی (مثلاً سه روز اول ماه شعبان) معتکف شود، و روزه نذری یا روزه استیجاری نیز بر عهده داشته باشد، می تواند چنین روزه هایی را به هنگام اعتکاف نذری بجا آورد، تا هم نذر اعتکاف را انجام داده باشد و هم روزه های واجب را. البته اگر به هنگام نذر اعتکاف، قصدش این باشد که روزه مخصوص اعتکاف بگیرد، نمی تواند قصد روزه دیگری کند.

**مسأله ۲۵ -** چنانچه نذر کند یک یا دو روز معتکف شود، نه بیشتر، نذرش باطل است، ولی اگر قید «نه بیشتر» را ذکر نکند، نذرش صحیح است، و باید آن را تا سه روز کامل کند.

**مسأله ۲۶ -** اگر نذر کند سه روز معین یا بیشتر معتکف گردد (مثل اینکه نذر کند روز ۲۸ و ۲۹ و ۳۰ ماه مبارک رمضان را معتکف شود) سپس روز سوم مصادف با عید گردد (مثل اینکه ماه رمضان در فرض مثال فوق ۲۹ روز شود) چنین نذری از اصل باطل است، و قضا هم ندارد؛ زیرا نذر از ابتدا منعقد نشده است، هر چند قضای آن مطابق

احتیاط است.

**مسأله ۲۷ -** هر گاه نذر کند که روز بازگشت (مثلاً) پدرش از مگه معتکف شود، چنانچه امکان داشته باشد در آن روز احتیاط کند و از طلوع فجر اعتکاف ببندد، نذرش صحیح است. همچنین اگر یقین داشته باشد که مسافرش قبل از طلوع فجر (اذان صبح) باز می‌گردد. و اگر نذر کند روز پس از ورود مسافرش معتکف شود، بدون شک نذرش صحیح است، و باید تا سه روز در حال اعتکاف باشد.

**مسأله ۲۸ -** چنانچه نذر کند که سه روز بدون دو شب وسط آنها معتکف می‌شود، چنین نذری باطل است.

**مسأله ۲۹ -** در صورتی که نذر کند سه روز یا بیشتر معتکف شود، لازم نیست شب اول هم در حال اعتکاف باشد؛ اما اگر نذر کند یک ماه معتکف شود، شب اول که جزء ماه محسوب می‌شود نیز باید در حال اعتکاف باشد.

**مسأله ۳۰ -** هر گاه نذر کند که یک ماه قمری معتکف شود، و ماهی که در آن معتکف شده ۲۹ روز باشد، احتیاط واجب<sup>۱</sup> آن است که روز اول ماه بعد را نیز بر آن بیفزاید، زیرا همانگونه که قبلاً گذشت، هرگاه دو روز بر اعتکافش اضافه کند، اعتکاف روز سوم نیز واجب می‌شود.

۱. احتیاط واجب به خاطر تأملی است که در ذیل مسأله ۲۱ داشتند.

**مسأله ۳۱-** هرگاه نذر کند که یک ماه معتکف شود، واجب است یک ماه پشت سر هم معتکف شود. اما اگر نذر کند که قسمتی از ماه مثلاً نه روز یا پانزده روز) اعتکاف نماید، می تواند بطور پراکنده (سه روز سه روز) معتکف شود، تا آن مقدار که نذر کرده کامل شود، مشروط بر اینکه نذرش انصراف به روزهای پی در پی نداشته باشد، که در این صورت نیز باید اعتکافش پی در پی باشد.

**مسأله ۳۲-** چنانچه نذر کند که یک ماه نامعین، یا چندین روز پی در پی غیر معین معتکف شود (چه قید پی در پی را در صیغه نذر آورده باشد، یا چنین از نذرش استفاده گردد)، و اعتکاف را شروع کند، سپس یک روز یا بیشتر از ایام اعتکاف را باطل کند، تمام روزهایی که معتکف بوده باطل می شود، هر چند روزهایی که بطور صحیح در حال اعتکاف بوده، سه روز یا بیشتر بوده باشد، و باید اعتکاف را با رعایت تتابع و پی در پی بودن از سر بگیرد. و اگر نذرش برای ماه یا روزهای معینی بوده و آن را باطل کرده، باید قضای آن را بصورت پی در پی بجا آورد.

حتی اگر اعتکاف نذری معین را در آخرین لحظات باطل کند، به گونه ای که پس از بطلان هنوز مقداری از زمان اعتکاف باقیمانده باشد احتیاط آن است که در این صورت نیز قضا کند.

**مسأله ۳۳-** در صورتی که نذر کند چهار روز معتکف شود، و پی در پی بودن را شرط نکرده باشد، و این مطلب از نحوه نذر وی نیز استفاده

نشود، سپس در روز چهارم کاری که اعتکاف را باطل می‌کند انجام دهد، سه روز اول اعتکافش صحیح است، ولی باید روز چهارم را قضا کند، و دو روز دیگر بر آن بیفزاید.

**مسأله ۳۴-** هر گاه نذر کند، پنج روز معتکف شود، باید یک روز دیگر بر آن بیفزاید، چه پی در پی بجا آورد، یا به شکل ناپیوسته.

**مسأله ۳۵-** اگر نذر کند در زمان معینی (مثلاً یک ماه معین از سال، یا روزهای معینی از ماه خاص) معتکف شود، سپس در آن ایام مخصوص، بخاطر فراموشی یا عمدتاً و عصباناً یا بر اثر اضطرار، اعتکاف را ترک کند، قضای آن واجب است. و اگر تشخیص ماهها مشکل شود، و در نتیجه ماه مورد نظر را نتواند بطور قطعی مشخص کند، به ظنّ خود عمل می‌کند، مگر اینکه احتیاط ممکن باشد و عسر و حرج لازم نیاید، که احتیاط واجب آن است مطابق احتیاط عمل کند. و چنانچه به هیچ کدام از ماهها ظن ندارد، بین ماههایی که محتمل است مخیر است.

### شرط ششم: در مسجد جامع باشد<sup>۱</sup>

**مسأله ۳۶-** اعتکاف باید در مسجد جامع باشد. و منظور از مسجد

۱. اکثریت قریب به اتفاق فقهای اسلام معتقدند که اعتکاف باید در مسجد باشد، اما اینکه مسجد خاصی معتبر است یا در هر مسجدی جایز است اختلاف نظر وجود دارد:

جامع مسجدی است که به طور مرتّب در آن نماز جماعت برگزار می‌گردد. بنابراین، در تمام چنین مساجدی اعتکاف جایز است.

**مسأله ۳۷ -** احتیاط مستحب آن است که - در صورت امکان - در مسجد الحرام، یا مسجد النبی، یا مسجد کوفه، یا مسجد بصره معتکف شود.

**مسأله ۳۸ -** لازم نیست اعتکاف در یک مسجد جامع انجام شود، بلکه می‌توان در دو مسجد متصل به هم نیز معتکف شد، مثلاً یک روز را در مسجد اول و دو روز آخر را در مسجد دوم به سر برد.

**مسأله ۳۹ -** هرگاه در مسجدی معتکف شود، سپس مانعی پیش آید که ادامه اعتکاف در آن مسجد ممکن نباشد (مثل اینکه مسجد خراب

الف) فقط در چهار مسجد جایز است: اول: مسجد الحرام، دوم: مسجد النبی. سوم: مسجد کوفه. چهارم: مسجد بصره. زیرا فقط در این چهار مسجد پیامبر ﷺ یا یکی از ائمه علیهم السلام نماز جمعه اقامه کرده‌اند. در مسجد اول و دوم پیامبر و امام علی علیهما السلام و در مسجد سوم و چهارم امام علی علیهما السلام نماز گزارده‌اند. برخی مسجد مدائن را نیز اضافه کرده‌اند، زیرا امام حسن علیهما السلام در آنجا نماز خوانده است. (تفسیر لاهیجی، ج ۱، ص ۱۷۱)

ب) علاوه بر چهار مسجد فوق، در هر مسجد جامعی می‌توان معتکف شد که این نظریه فقهای عصر ماست.

ج) فقهای عراق گفته‌اند: در هر مسجدی که در آن نماز جماعت اقامه شده، می‌توان اعتکاف بست (روض الجنان، ج ۳، ص ۴۱)

د) و برخی نیز معتقدند که در هر مسجدی اعتکاف جایز است (منهج الصادقین، ج ۱، ص ۴۲۸)

شرح بیشتر نظریات فقهای اهل سنت را در کتاب سلسله الینابیع الفقہیہ، ج ۶، ص ۱۱۰ مطالعه فرمایید.



شود، یا امنیت خود را از دست بدهد، یا امکانات لازم در آن مسجد فراهم نگردد و مانند آن، اعتکافش باطل نمی‌شود، بلکه آن را در مسجد جامع دیگری ادامه می‌دهد.

**مسئله ۴۰ -** پشت بام، زیرزمین و محراب مسجد جزء مسجد محسوب می‌شود؛ مگر اینکه یقین داشته باشیم واقف آنها را جزء مسجد قرار نداده است. قسمت‌های توسعه یافته مساجد نیز حکم مسجد را دارد؛ به شرط آنکه جزء مسجد محسوب گردد.

**مسئله ۴۱ -** هرگاه مکان خاصی از مسجد را به عنوان محلّ اعتکافش تعیین کند، متعیّن نمی‌شود و چنین قصدی بی‌اثر است. یعنی لازم نیست در طول اعتکاف فقط در همان مکان باشد.

**مسئله ۴۲ -** هرگاه شک کند که فلان قسمت مسجد، حکم مسجد دارد، یا از ملحقات و املاک مسجد است؟ حکم مسجد بر آن جاری نمی‌شود؛ مگر اینکه ظاهر حال آن باشد که جزء مسجد است. بنابراین در حیاط مسجدی که معلوم نیست صیغه وقف مسجد بر آن خوانده شده یا نه، نمی‌توان اعتکاف کرد.

**مسئله ۴۳ -** دو موضوع «مسجد بودن» و «جامع بودن مسجد» از راه‌های زیر ثابت می‌شود:

۱- علم و یقین. ۲- شایع موجب یقین. ۳- بینة شرعی. ۴- خبر عادل

واحد.

ولی قناعت به حکم حاکم شرع (از این جهت که حاکم شرع است، نه از آن جهت که خبر عادل واحد است) در این مسأله مشکل است.

**مسأله ۴۴ -** هرگاه در مکانی به اعتقاد اینکه مسجد، یا مسجد جامع است معتکف شد، سپس معلوم شود که مسجد نیست، یا مسجد جامع نیست، اعتکافش باطل است.

**مسأله ۴۵ -** در اینکه اعتکاف باید در مسجد جامع باشد، تفاوتی بین زن و مرد نیست. بنابراین، زنان هم باید در مسجد جامع معتکف شوند و نمی‌توانند در مکانی که در داخل خانه برای نماز اختصاص داده‌اند، یا در مسجدی که نماز جماعت مرتبی ندارد، معتکف شوند.

#### اعتکاف و غصب:

**مسأله ۴۶ -** بطالان اعتکاف به خاطر غصب مکانی از مسجد که معتکف دیگری آنجا را برای اعتکافش در نظر گرفته و وسایلش را در آنجا نهاده، مورد اشکال است. اما اگر بر روی سجاده غصبی معتکف شود، بدون شک اعتکافش باطل می‌شود.

**مسأله ۴۷ -** هرگاه بر اثر فراموشی، یا ناآگاهی از حکم شرعی، (مشروط بر اینکه جاهل قاصر باشد) یا اکراه، یا اضطرار، بر چیز غصبی معتکف شود، ضرری به اعتکافش نمی‌زند.

**شرط هفتم: اذن شوهر، والدین و صاحب کار**

**مسأله ۴۸ -** هرگاه اعتکاف زن منافات با حقوق شوهر داشته باشد، باید اجازه شوهر را جلب کند و اگر منافات نداشته باشد احتیاط واجب در رضایت شوهر است.

**مسأله ۴۹ -** چنانچه اعتکاف فرزند موجب اذیت و آزار پدر و مادر گردد، باید رضایت آنها را جلب کند، در غیر این صورت اذن آنها شرط نیست؛ هر چند احتیاط تحصیل رضایت آنها، مخصوصاً پدر است.

**مسأله ۵۰ -** در صورتی که شخصی، دیگری را مثلاً برای یک ماه، اجیر کرده که کارهایش را انجام دهد، چنانچه اجیر بخواهد در مدت اجاره معتکف شود باید اجازه صاحب کار را تحصیل کند.

**مسأله ۵۱ -** اعتکاف بچه ممیّز که خوب و بد را تشخیص می دهد صحیح است؛ بنابراین بلوغ شرط اعتکاف نیست.

**شرط هشتم: از مسجد خارج نشود**

**مسأله ۵۲ -** تفاوتی بین انواع توقّف و بودن در مسجد نیست. بنابراین، می تواند بایستد، یا بنشیند، یا بخوابد، یا راه برود، زیرا آنچه لازم است اینکه به قصد عبادت در مسجد توقّف کند؛ به هر شکلی که باشد.

مواردی که خروج از مسجد جایز است:

**مسئله ۵۳ -** خروج معتکف از مسجد در موارد زیر جایز است:

(الف) برای ادای شهادت در دادگاه.

(ب) برای شرکت در نماز جمعه، ولی برای شرکت در نماز جماعت با توجه به اینکه نیازی به این کار نمی‌باشد، جایز نیست؛ زیرا در مسجد جامع معمولاً نماز جماعت برپا می‌شود.

(ج) جهت حضور در تشییع جنازه مؤمنین. هر چند این امور بر او واجب نشده باشد.

(د) در سایر ضروریات عرفیه، یا شرعیّه واجب، چه مربوط به امور دنیایی باشد، یا مربوط به امور آخرت. چه به مصلحت خودش باشد، یا مصلحت دیگری آن را اقتضا کند. ولی در غیر موارد مذکور نباید از مسجد خارج شود.

**مسئله ۵۴ -** هرگاه به هنگام اعتکاف محتمل شود، واجب است از

مسجد خارج گردد و غسل جنابت کند. و نمی‌تواند داخل مسجد غسل نماید؛ زیرا توقّف جنب در مسجد حرام است. و اگر خارج نشود اعتکافش باطل می‌شود.

**مسئله ۵۵ -** اگر خروج از مسجد بر معتکف واجب شود (مثلاً برای

پرداخت بدهی، یا انجام واجب دیگری که متوقّف بر خروج از مسجد است)، و از مسجد خارج نشود، مرتکب گناه شده ولی اعتکافش باطل نمی‌شود.

**مسأله ۵۶ -** چنانچه بنا بر ضرورتی از مسجد خارج شد، لازم نیست نزدیکترین راه را به هنگام رفت و برگشت انتخاب کند، مگر اینکه تفاوت مسیرها بسیار زیاد باشد. اما لازم است فقط به مقدار حاجت و ضرورت توقف داشته باشد، نه بیشتر؛ همانگونه که در صورت امکان در طول مسیر رفت و برگشت نباید در زیر سایه‌ای بنشیند؛ بلکه مطلقاً در جایی ننشیند، ولی حرکت در زیر سایه حرام نیست.

**مسأله ۵۷ -** هرگاه بنا بر ضرورتی از مسجد خارج شود و خروجش طولانی گردد، به گونه‌ای که صورت اعتکاف از بین برود، (و عرفاً گفته شود که چنین شخصی معتکف نیست) اعتکافش باطل می‌شود.

**مسأله ۵۸ -** هرگاه مردی همسر معتکفش را طلاق رجعی دهد، بر زن واجب است که برای سپری کردن عده طلاق به منزلش بازگردد. بنابراین، اعتکافش باطل می‌شود، و چنانچه واجب نامعین و غیرمحدود بوده پس از تمام شدن عده باید آن را از سر گیرد. و اگر واجب معین و محدود بوده، اقوی بطلان اعتکاف و رعایت عده است، مشروط بر اینکه وجوب اعتکاف بخاطر نذر یا اجاره بوده باشد. (هر چند ما در اصل عبادات استیجاریه اشکال داریم) و اگر به غیر نذر و اجاره واجب شده، احتیاط تقدیم عده است، چون اهمیّت دارد. اما اگر طلاق بائن باشد اعتکافش صحیح، و خروج از مسجد لازم نیست. زیرا واجب نیست زن در عده طلاق بائن در منزل مشترک باشد.

**عدول از اعتکاف:**

**مسأله ۵۹-** همانگونه که گذشت، اعتکاف یا واجب معین است، یا واجب موسّع (و نامحدود از نظر زمان انجام)، و یا مستحب. اگر واجب معین باشد (مثل اینکه نذر کرده دهه آخر ماه مبارک رمضان امسال را معتکف شود) به مجرد شروع اعتکاف، بلکه قبل از شروع، انجام آن (در زمان خودش) واجب است، و رجوع و عدول از آن جایز نیست. اما در واجب موسّع (مثل اینکه نذر کرده ده روز از ماه مبارک رمضان امسال را معتکف شود) و همچنین در اعتکاف مستحبی قبل از تکمیل دو روز اول، حق رجوع و عدول دارد، اما پس از گذشت این زمان، یا در روز سوم اعتکاف واجب می‌گردد و رجوع جایز نیست. ولی احتیاط آن است که در این دو، مخصوصاً در واجب موسّع، هنگامی که شروع کرد عدول نکند، و آن را به اتمام برساند.

**شرط عدول:**

**مسأله ۶۰-** معتکف می‌تواند به هنگام نیت اعتکاف، شرط کند که هر زمان خواست، حتی در روز سوم، از اعتکاف خارج شود؛ اعم از اینکه خروج از اعتکاف را مشروط به حادث شدن امری کند یا نه و احتیاط آن است که شرط مذکور برای عذری هر چند عرفی باشد، ولی نمی‌تواند شرط کند که منافیات اعتکاف، نظیر همبستر شدن با همسر و

مانند آن را در حال اعتکاف انجام دهد.

**مسأله ۶۱-** شرط مذکور در مسأله قبل باید به هنگام نیت اعتکاف ذکر گردد؛ بنابراین اگر قبل از نیت اعتکاف، یا پس از آن گفته شود، اعتباری ندارد هر چند قبل از شروع روز سوم باشد.

**مسأله ۶۲-** هرگاه به هنگام نیت شرط عدول کند، سپس آن را اسقاط کند، این اسقاط تأثیری ندارد، هر چند احتیاط آن است که آثار سقوط شرط را جاری کند، یعنی پس از تکمیل دو روز عدول نکند و روز سوم را نیز در اعتکاف بماند.

**مسأله ۶۳-** همانگونه که شرط عدول به هنگام نیت اعتکاف جایز است، همچنین می توان به هنگام نذر اعتکاف چنین شرطی را در صیغه نذر گنجاند. مثل اینکه بگوید: «لله علیّ ان اعتکف بشرط ان یکون لی الرجوع عند عروض کذا او مطلقاً».

در این صورت حقّ عدول دارد، هر چند به هنگام نیت اعتکاف آن را شرط نکرده باشد. البته این شرط در صورتی صحیح است که معنایش نذر اعتکاف مشروط باشد، سپس به هنگام وفای به نذر نیت کند آنچه را نذر کرده - هر چند بصورت اجمالی - بجا آورد تا اینکه اشتراط عدول در حقیقت در نیت اعتکاف باشد. در غیر این صورت دلیلی بر صحت آن وجود ندارد، و لکن احتیاط آن است که شرط را به هنگام نیت و شروع اعتکاف نیز ذکر کند.

**مسأله ۶۴ -** تفاوتی در شرط عدول در صیغه نذر، بین نذر اعتکاف ایام معین و غیر معین، و اعتکافهای پی در پی و جدای از هم نیست. بنابراین، هر گاه طبق آنچه در مسائل بالا گذشت، شرط عدول کند در تمام صورتهای بالا حق عدول دارد و قضای چنین اعتکافی نسبت به نذر معین، و از سر گرفتن آن در نذر غیر معین واجب نیست.

**مسأله ۶۵ -** معتکف نمی تواند در یک اعتکاف شرط کند که حق عدول در اعتکاف دیگر داشته باشد، همانگونه که نمی تواند شرط کند که حق فسخ اعتکاف شخص دیگر - اعم از فرزند، یا خدمتکار، یا فرد بیگانه ای - را داشته باشد.

#### تعلیق در اعتکاف

**مسأله ۶۶ -** تعلیق در اعتکاف جایز نیست. بنابراین، اگر اعتکافش را معلق بر چیزی کند که منافات با تحقق قصد اعتکاف داشته باشد، باطل است. اما اگر آن را معلق بر شرطی کند که به هنگام نیت می داند آن شرط حاصل خواهد شد اشکال ندارد. و این در حقیقت تعلیق در اعتکاف شمرده نمی شود.



## چیزهایی که بر معتکف حرام است<sup>۱</sup>:

- مسأله ۶۷ - شش چیز بر معتکف حرام است: ۱. آمیزش با همسر. ۲. استمنا برابر احتیاط واجب. ۳. بوی خوش. ۴ و ۵. خرید و فروش. ۶. ممارات و مجادله.
- شرح محرمات مذکور به خواست خدا در مسائل آینده خواهد آمد.

### ۱- آمیزش

مسأله ۶۸ - در حرمت آمیزش به هنگام اعتکاف، تفاوتی بین آمیزش از جلو و پشت سر نیست. و احتیاط آن است که از لمس و بوسیدن با شهوت نیز خودداری گردد. اما نگاه به همسر از روی شهوت حرام نیست، هر چند احتیاط در ترک آن است.

مسأله ۶۹ - تفاوتی بین زن و مرد در حرمت آمیزش به هنگام

---

۱. برخی از فقهای ما تمام محرمات احرام را بر معتکف حرام شمرده‌اند، که از جمله می‌توان به شیخ طوسی رحمته‌الله اشاره کرد. (جواهرالکلام، ج ۱۱، ص ۲۰۴)

طبق این فتوا، محرمات معتکف بیش از محرمات مُحَرَّم می‌شود، مخصوصاً در روز که معتکف باید از مبطلات روزه نیز اجتناب ورزد. اما به فتوای اکثریت قریب به اتفاق علمای شیعه تمام محرمات احرام بر معتکف حرام نیست بلکه تنها بخشی از آن برای معتکف ممنوع است. نتیجه اینکه بخشی از محرمات مشترک بین معتکف و مُحَرَّم است نظیر بوی خوش، جماع، استمنا و مانند آن، و بخشی بر مُحَرَّم حرام است ولی برای معتکف جایز است نظیر پوشیدن لباسهای دوخته، ازاله موهای بدن و مانند آن، و بخشی از آن بر معتکف حرام ولی برای مُحَرَّم جایز است؛ نظیر خرید و فروش، خارج شدن از مسجد، و برخی از مبطلات روزه و مانند آن.

اعتکاف نیست. بنابراین، همانگونه که بر مرد معتکف این کار حرام است، بر زنی که اعتکاف بسته نیز آنچه ذکر شد حرام است.

## ۲- استمنا

مسأله ۷۰- استمنا، بنا بر احتیاط واجب، موجب بطلان اعتکاف است؛ هر چند از راه حلال باشد. مثل اینکه بر اثر نگاه به همسرش از وی منی خارج گردد.

## ۳- بوی خوش

مسأله ۷۱- بوییدن عطریات و بوهای خوش، هر چند به قصد لذت نباشد حرام است؛ مثل اینکه عطری را برای امتحان ببوید.

## ۴ و ۵- خرید و فروش

مسأله ۷۲- همانگونه که گذشت، خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت در صورت عدم ضرورت، بنا بر احتیاط واجب بر معتکف حرام است. ولی اشتغال به کارهای مباح دنیوی، حتی مثل خیاطی و بافتنی و مانند آن، اشکالی ندارد؛ هر چند ترک آن جز در موارد اضطرار، مطابق با احتیاط است.

مسأله ۷۳- هرگاه برای تهیه مواد خوراکی ناچار از خرید و فروش

شود، و شخص غیر معتکفی که این کار را انجام دهد نیابد، و تهیّه اجناس مذکور بدون خرید امکان نداشته باشد، در این صورت خرید و فروش مانعی ندارد.

### ۶- جدال

**مسأله ۷۴ -** جدال بر سر مسائل دنیوی یا دینی به قصد غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت، حرام است. امّا به نیّت روشن شدن حقیقت، و برطرف کردن خطا و اشتباه طرف مقابل، نه تنها اشکالی ندارد، بلکه از بهترین عبادات است. بنابراین، ملاک قصد و نیّت معتکف است، چرا که هر کس در گرو نیّت خویش است.

**مسأله ۷۵ -** تمام محرّمات احرام (آنچه بر حاجی به هنگام احرام حرام می‌گردد) از قبیل شکار، ازاله موهای بدن، پوشیدن لباسهای دوختنی و مانند آن، بر معتکف حرام نیست، مگر آنچه که شرح آن در مسائل بالا ذکر شد.

### احکام محرّمات اعتکاف:

**مسأله ۷۶ -** تفاوتی در محرّمات شش گانه بالا بر معتکف، بین شب و روز نیست. البتّه چیزهای (دیگری) که روزه را باطل می‌کند و انجام آن بر معتکف حرام است، مانند خوردن و آشامیدن و سر زیر آب

کردن، فقط در روز حرام است.

**مسأله ۷۷ -** پرداختن به امور دنیوی و مطالعات مربوط به آن برای معتکف جایز است؛ ولی اشتغال به این امور در تمام اوقات اعتکاف مشکل است، و شاید با مفهوم اعتکاف از منظر اهل شرع منافات داشته باشد.

### اموری که اعتکاف را باطل می‌کند:

**مسأله ۷۸ -** امور زیر باطل‌کننده اعتکاف است:

۱. تمام چیزهایی که روزه را باطل می‌کند، چنانچه در روز انجام شود.
۲. آمیزش با همسر، چه در روز باشد و چه در شب.
۳. ارتکاب سایر محرّمات اعتکاف؛ نظیر خرید و فروش و استنشام عطریات و بوهای خوش، بنابر احتیاط واجب، بلکه خالی از قوّت نیست.

### قضای اعتکاف:

**مسأله ۷۹ -** هرگاه یکی از محرّمات، که موجب بطلان اعتکاف می‌شود، را حتی از روی سهو و فراموشی مرتکب گردد، اعتکافش خالی از اشکالی نیست، اما اگر آمیزش جنسی کند، هر چند از روی

فراموشی باشد، چنانچه اعتکاف واجب باشد، باید پس از اتمام آن، در صورتی که وقت آن محدود بوده، قضای آن را بجا آورد، و اگر وقتش وسیع است، بنابر احتیاط واجب آن را از نو شروع کند، و اگر مستحب بوده، آن را تمام کند و قضا ندارد.

**مسأله ۸۰-** هرگاه اعتکاف خود را به سبب ارتکاب یکی از مبطلات اعتکاف باطل کند، چنانچه آن اعتکاف واجب معین بود (و وقت آن گذشته) باید قضای آن را بجا آورد، و اگر واجب غیر معین بوده، باید آن را دوباره انجام دهد، مگر اینکه به هنگام نیت اعتکاف یا اجرای صیغه نذر (به شرحی که گذشت) شرط رجوع کرده باشد، که در این صورت نیازی به قضا یا اعاده آن نیست. و اگر اعتکافش واجب نبوده، ولی در روز سوم آن را باطل کرده، در اینجا نیز باید قضای آن را بجا آورد، اما اگر در روز اول و دوم (قبل از تکمیل دو روز) بوده، وظیفه‌ای ندارد.

**مسأله ۸۱-** قضای اعتکاف، واجب فوری نیست، هر چند انجام آن در اولین فرصت مطابق احتیاط است.

**مسأله ۸۲-** هرگاه معتکف در اثنای اعتکافی که به سبب نذر یا مانند آن واجب شده از دنیا برود، قضای آن بر ولیّ میّت واجب نیست؛ هر چند مطابق احتیاط است.

### کفّارهٔ اعتکاف:

**مسألهٔ ۸۳** - هر گاه معتکف به سبب آمیزش، هر چند در شب، اعتکاف واجب خود را باطل کند، باید کفّاره بپردازد. اما اگر با یکی دیگر از محرمات، اعتکاف را باطل نماید کفّاره ندارد، هر چند پرداخت کفّاره در غیر آمیزش نیز موافق احتیاط است، بلکه احتیاط آن است که در اعتکاف مستحبی، اگر قبل از تکمیل روز دوم باطل شود نیز کفّاره بدهد.

**مسألهٔ ۸۴** - کفّارهٔ اعتکاف بنا بر اقوی همانند کفّارهٔ ماه رمضان است؛ یعنی شصت روز روزه بگیرد، و یا شصت فقیر را سیر کند. ولی احتیاط مستحب آن است که همچون کفّارهٔ ظهار عمل کند، که در درجهٔ اول روزه است.

**مسألهٔ ۸۵** - هرگاه اعتکاف واجب باشد، و در ماه رمضان واقع شود و آن را با آمیزش در روز باطل کند، باید دو کفّاره بپردازد. یک کفّاره برای باطل کردن اعتکاف و دیگر، کفّارهٔ باطل کردن روزهٔ ماه مبارک رمضان.

**مسألهٔ ۸۶** - چنانچه اعتکاف واجب باشد و روزهٔ قضای ماه رمضان را گرفته باشد و آن را باطل کند، علاوه بر کفّارهٔ اعتکاف باید کفّارهٔ افطار قضای روزهٔ رمضان را نیز بپردازد.

**مسألهٔ ۸۷** - هرگاه مطابق نذر در ماه رمضان معتکف شود، سپس آن

را با آمیزش در روز باطل کند، باید سه کفّاره بپردازد.

(الف) کفّاره اعتکاف.

(ب) کفّاره نذر (البته مشروط بر اینکه نذر را در مثل این واجبات صحیح بدانیم).

(ج) کفّاره افطار در ماه رمضان.

**مسأله ۸۸** - هرگاه معتکف با همسر در حال اعتکافش در روز ماه مبارک رمضان بدون رضایت وی، آمیزش کند، احتیاط آن است که چهار کفّاره بدهد، هر چند بعید نیست سه کفّاره به شرح زیر کفایت کند:

(الف) کفّاره باطل کردن اعتکاف خودش.

(ب) کفّاره باطل کردن روزه ماه رمضان خودش.

(ج) کفّاره باطل کردن روزه ماه رمضان همسرش.

زیرا دلیلی بر اینکه کفّاره چهارمی بنحاطر باطل کردن اعتکاف زن، بر شوهر واجب باشد در دست نداریم. بدین جهت اگر در شب او را مجبور بر آمیزش کند فقط کفّاره بطلان اعتکاف خودش را باید بپردازد، و کفّاره دیگری بر او نیست.

**مسأله ۸۹** - چنانچه معتکف در روز ماه رمضان با همسر در حال

اعتکافش آمیزش کند، و این کار با میل و رضایت زوجه نیز بوده باشد، هر یک از آنها باید دو کفّاره بپردازد، و اگر در شب همبستر شوند، هر کدام یک کفّاره می دهد.

### خلاصه احکام اعتکاف:

خلاصه مسائلی که مشروحاً گذشت را می توان در بیست مسأله به شرح زیر بیان کرد:

**مسأله ۱ -** اعتکاف از مستحبات است، ولی به نذر و مانند آن واجب می شود و قصد عبادت شرط است.

**مسأله ۲ -** اعتکاف بیش از سه روز هم جایز است؛ ولی هرگاه دو روز اضافه می کند، روز سوم را بر آن بیافزاید (بنابراحتیاط واجب).

**مسأله ۳ -** اعتکاف باید در مسجد جامع باشد و منظور از مسجد جامع، مسجدی است که در آن نماز جماعت بطور مرتب اقامه می شود.

**مسأله ۴ -** خارج شدن از مسجد عمداً موجب بطلان اعتکاف است. و از روی فراموشی نیز بنابراحتیاط، چنین است.

**مسأله ۵ -** اعتکاف برای زنان هم جایز است؛ ولی احتیاط واجب آن است که از همسرشان اجازه بگیرند.

**مسأله ۶ -** احتیاط آن است که در اعتکاف برای غیر، قصد اهدای ثواب کند، خواه حی باشد یا میت، بنابراین می توان قصد چند نفر را نمود.

**مسأله ۷ -** لازم نیست روزه برای اعتکاف باشد، بلکه می تواند روزه ماه مبارک یا روزه قضا و مانند آن را بجا آورد، ولی روزه



استیجاری مشکل است.

**مسأله ۸-** اعتکاف مستحب را در دو روز اول می‌توان رها کرد؛ ولی روز سوم رها کردن جایز نیست.

**مسأله ۹-** بهتر است که مدت اعتکاف در یک مسجد باشد؛ ولی در دو مسجد متصل به هم نیز مانعی ندارد.

**مسأله ۱۰-** در جایی که مشکوک است جزء مسجد می‌باشد یا نه، و ظاهر حال گواهی بر چیزی نمی‌دهد، اعتکاف صحیح نیست.

**مسأله ۱۱-** زنان نیز فقط در مسجد می‌توانند معتکف شوند.

**مسأله ۱۲-** کودکان ممیز نیز می‌توانند اعتکاف کنند.

**مسأله ۱۳-** در موارد زیر، شخص اعتکاف کننده می‌تواند از مسجد خارج شود.

الف) برای هرگونه کار ضروری شرعی یا عرفی، مانند رفتن به دستشویی و غسل واجب و تهیه ضروریات.

ب) همچنین برای گواهی دادن در دادگاه و حضور در نماز جمعه و تشییع جنازه و عیادت مریض، اما برای هر کار مستحبی جایز نیست.

**مسأله ۱۴-** نشستن بر فرش غضبی هنگام اعتکاف موجب بطلان اعتکاف نمی‌شود، برخلاف محلّ غضبی (مثلاً جای دیگران را غضب کند)، بنا بر احتیاط.

**مسأله ۱۵-** جایز است در اعتکاف، در آغاز نیت، شرط کند که هر

گاه عذر عرفی یا شرعی برای او پیدا شد، بتواند اعتکاف را به هم بزند. در این صورت هر وقت عذری پیدا شود می‌تواند آن را به هم زند، حتی در روز سوم.

**مسأله ۱۶ -** اعتکاف کمتر از سه روز کامل جایز نیست. و روز، از اوّل طلوع فجر تا غروب آفتاب است.

**مسأله ۱۷ -** اعتکاف در شبستان و سرداب و صحن مسجد جایز است، مگر در مواردی که ثابت شود حیاط، جزء مسجد نیست، یا ظاهر حال چنین باشد.

**مسأله ۱۸ -** پنج چیز بر معتکف حرام است:

اوّل) تمتّع از همسر، خواه جماع باشد یا لمس و بوسیدن بنا بر احتیاط.

دوم) استمنا بنا بر احتیاط واجب، هر چند از طریق حلال باشد مانند ملاعبه با همسر.

سوم) بوییدن عطریّات و بوهای خوش، هر چند به قصد لذّت نباشد.

چهارم) خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت با نبودن ضرورت (بنا بر احتیاط)؛ ولی پرداختن به امور مباح دنیوی مانند خیاطی و امثال آن اشکالی ندارد.

پنجم) جدال بر سر مسائل دینی یا دنیوی به قصد غلبه کردن

برطرف مقابل و اظهار فضیلت، و در این امور فرقی میان شب و روز نیست.

**مسأله ۱۹ -** پرداختن به امور دنیوی و مطالعات مربوط به آن برای معتکف جایز است، هر چند بهتر ترک این امور و توجه به عبادات و طاعات می باشد.

**مسأله ۲۰ -** هرگاه اعتکاف خود را با یکی از امور گذشته باطل کند، اگر به سبب نذر بر او واجب معین بوده، باید قضا کند. و اگر واجب غیر معین بوده و این امر در روز سوم بوده نیز باید قضا کند. و اگر در روز اوّل بوده لازم نیست. قضای اعتکاف واجب فوری نیست، بلکه وقت آن وسیع است.



فصل هفتم:

## استفتائات اعتكاف

از محضر حضرت آية الله العظمى مكارم شيرازى (مدّ ظلّه)



## استفتائات اعتکاف

### اهمیت اعتکاف:

سؤال ۱ - اهمیت اعتکاف را برای همه، مخصوصاً نسل جوان،

بیان فرمایید:

جواب: در دنیای پر غوغای مادی، که جاذبه‌ها به سوی مادیّت است، بر قلب و روح انسان زنگار می‌نشیند. زنگاری از غفلت و دوری از خدا که اگر با نیایش و عبادت برطرف نگردد، ممکن است روحانیت و معنویت را از وجود انسان برچیند و اینکه در روایات اسلامی نماز تشبیه به نهر آب پاکیزه‌ای شده که انسان در هر شبانه روز پنج بار خود را در آن شستشو می‌دهد<sup>۱</sup>، اشاره به همین نکته است. در میان عبادات «اعتکاف» ویژگی خاصی دارد و از جهاتی

---

۱. میزان الحکمه، باب ۲۲۷۲، ح ۱۰۲۶۴.

شبیبه به مراسم حج و احرام است که انسان را به جهانی مملو از روحانیت و معنویت سوق می‌دهد. در محیط یک مسجد جامع سه روز ماندن، روزه گرفتن و به عبادت پرداختن و در خودسازی کوشیدن و به غیر خدا نیندیشیدن، تحوّل عظیمی در روح انسان پدید می‌آورد که صفا و نورانیت آن بی‌نظیر است. به حمدالله در سالهای اخیر اعتکاف از سوی قشر جوان و مخصوصاً دانشجویان عزیز، مورد استقبال واقع شده، و لذّت و آثار این عبادت روحانی را دریافته‌اند، و ما این استقبال عظیم را به آنها تبریک می‌گوییم. امیدواریم جوانان عزیز ما، مخصوصاً دانشجویان، در این امر که وسیله مؤثری برای قرب پروردگار است، نیز نسبت به دیگران پیشگام باشند و از نتایج معنوی آن کاملاً بهره‌مند شوند.

### فلسفه اعتکاف:

سؤال ۲ - اعتکاف چه فلسفه‌ای دارد؟ لطفاً به برخی از فضایل آن اشاره فرمایید.

جواب: اعتکاف یک برنامه مهمّ خودسازی است، که انسان را در مدّت چند روز به کلی از مظاهر مادی دنیا جدا می‌سازد، و در یک عالم روحانی و معنوی غرق می‌کند؛ و او را به نگرستن مجدد به برنامه‌های اخلاقی و خودسازی و توبه از گناه و محاسبه و مراقبه



وامی دارد، و در مجموع یک تولد ثانوی محسوب می‌شود، و شایسته است مسلمانان از آن بهره گیرند، و این سنت اسلامی را زنده نگه دارند.

### اعتکاف در دیگر ادیان:

سؤال ۳ - آیا سنت اعتکاف اختصاص به شریعت مقدسه اسلام دارد؟ یا در شرایع و ادیان سابق نیز وجود داشته است؟  
 جواب: مراسمی شبیه به اعتکاف در میان بعضی از مؤمنان به شرایع سابق بوده است. و در زندگی حضرت مریم و زکریا علیهم السلام آثاری از آن دیده می‌شود.

### اعتکاف استیجاری:

سؤال ۴ - با توجه به اینکه حضرت عالی استیجار در عبادات را مشکل می‌دانید، آیا اعتکاف از سوی اموات را اجازه می‌دهید؟  
 جواب: آری می‌توان انجام داد؛ ولی احتیاط آن است که قصد اهدای ثواب کند.

### شرایط اعتکاف:

#### شرط اول: ایمان

سؤال ۵ - آیا علاوه بر اسلام، ایمان نیز شرط اعتکاف است؟

جواب: احتیاط واجب آن است که ایمان و اسلام هر دو در معتکف باشد.

### شرط دوم: عقل

سؤال ۶ - اگر مجنون ادواری به هنگامی که عاقل است معتکف شود، و در روز سوم دور جنونش آغاز گردد، اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: اعتکافش باطل می شود.

سؤال ۷ - با توجه به اینکه افراد معتاد، پس از استعمال مواد مخدر از عقل و هوش کافی برخوردار نیستند، آیا اعتکاف آنها صحیح است؟  
جواب: هرگاه واقعاً شبیه افراد مست یا دیوانه باشند اعتکافشان صحیح نیست، ولی همیشه معتادان به این صورت نیستند.

سؤال ۸ - هرگاه معتکف به هر علتی از هوش برود، یا بنا بر ضرورت وی را بی هوش کنند، اعتکافش چه حکمی دارد؟  
جواب: گرچه بسیاری از فقها اغما را با جنون یکسان دانسته اند، ولی با توجه به تفاوت مهمی که این دو با هم دارد حکم جنون بر اغما جاری نمی شود.

### شرط سوم: نیت

سؤال ۹ - با توجه به اینکه اعتکاف مستحبی در روز سوم واجب

می‌شود، آیا تجدید نیت در روز سوم اعتکاف لازم است؟

جواب: تجدید نیت لازم نیست.

سؤال ۱۰ - هرگاه از روی اشتباه برای اعتکاف واجب نیت

استحباب کند (یا بالعکس)، تکلیف چیست؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۱۱ - آیا می‌توان اول شب نیت کرد؟

جواب: وقت نیت از اول صبح (اذان صبح) است؛ ولی مانعی

ندارد که نیت از قبل در دل معتکف بوده باشد.

شرط چهارم: روزه

سؤال ۱۲ - آیا بیمار و کسی که روزه برایش ضرر دارد، می‌تواند

معتکف شود؟

جواب: با توجه به اینکه روزه چنین شخصی صحیح نیست،

اعتکافش نیز صحیح نخواهد بود.

سؤال ۱۳ - آیا مسافر می‌تواند معتکف شود؟

جواب: در صورتی که قصد ده روز کند مانعی ندارد، در غیر این

صورت اشکال دارد.

سؤال ۱۴ - شخصی نذر کرده در روزهای سیزدهم تا پانزدهم ماه

رجب در مسجد مقدّس جمکران، هر چند مسافر باشد معتکف شود،

آیا چنین نذری صحیح است؟

جواب: خالی از اشکال نیست، ولی احتیاط آن است که به این نذر عمل کند.

شرط پنجم: کمتر از سه روز نباشد

سؤال ۱۵ - آیا در تحقق اعتکاف، سه روز ناپیوسته کافی است؟

جواب: کافی نیست.

سؤال ۱۶ - اعتکاف تلفیقی چیست و چه حکمی دارد؟

جواب: یعنی نیمی از یک روز با دو روز و نیم دیگر معتکف شود. مثلاً روز اول روزه را بگیرد ولی از ظهر در مسجد شروع به اعتکاف کند و روز چهارم را هم روزه بگیرد و تا ظهر در مسجد بماند، و چنین اعتکافی باطل است.

نذر اعتکاف:

سؤال ۱۷ - یکی از زوَّار مشهد مقدّس پس از رسیدن به مقصد بدون

قصد اقامت ده روز، نذر می‌کند که معتکف شود. آیا عمل به این نذر

واجب است؟

جواب: نذر روزه در سفر اشکال دارد، بنابراین بدون قصد اقامه

عشره نمی‌تواند معتکف گردد.

سؤال ۱۸ - اگر کسی نذر کند که برای برآورده شدن حاجات مادی یا معنوی معتکف شود، چه حکمی دارد؟

جواب: نذر اعتکاف به عنوان شکرانه قضای حوائج مانعی ندارد.

سؤال ۱۹ - آیا اعتکاف نذری را می توان در ماه مبارک رمضان بجا آورد؟

جواب: مانعی ندارد؛ مگر اینکه نیت او به هنگام نذر، اعتکاف در غیر ماه رمضان باشد.

سؤال ۲۰ - اگر کسی اعتکاف را نذر کند و مشغول اعتکاف شود؛ ولی در ایام اعتکاف مریض شود، یا ضرورتی پیش آید (مثل فوت نزدیکان) آیا می تواند اعتکاف را بر هم بزند؟ و اگر بر هم بزند، کفاره دارد؟ در اعتکاف مستحبی چطور؟

جواب: در صورتی که ضرورتی پیش آید، می تواند اعتکاف را بر هم بزند. و در صورتی که روز سوم باشد باید قضا کند؛ همچنین اگر به عنوان نذر بوده باشد. ولی کفاره ندارد.

سؤال ۲۱ - اگر نذر کند چهار روز معتکف شود، و پیوستگی آن چهار روز را شرط ننماید، و روز چهارم برخلاف نذرش از اعتکاف خارج شود، وظیفه اش چیست؟

جواب: باید مجدداً اعتکاف چهار روز را بجا آورد.

### شرط ششم: در مسجد جامع باشد

**سؤال ۲۲ -** آیا انسان می‌تواند در شهر دیگری معتکف شود، یا حتماً باید در شهر خودش باشد؟

**جواب:** در صورتی که حکم مسافر نداشته باشد، و در مسجد جامع باشد مانعی ندارد.

**سؤال ۲۳ -** مسجد جامع به چه مسجدی گفته می‌شود؟

**جواب:** منظور از مسجد جامع مسجدی است که به طور مرتب در آن نماز جماعت برگزار می‌گردد.

**سؤال ۲۴ -** اینکه در تعریف مسجد جامع اقامه نماز جماعت به صورت مرتب را شرط دانسته‌اید، آیا در هر سه وعده باید نماز جماعت اقامه گردد، یا اگر در یک وعده هم بصورت مرتب نماز جماعت برگزار گردد، کفایت می‌کند؟

**جواب:** در یک وعده نیز کفایت می‌کند.

**سؤال ۲۵ -** آیا در شهرهای بزرگ که مساجد جامع متعددی دارد، می‌توان در مسجد هر محله‌ای اعتکاف کرد؟

**جواب:** در مساجدی که نماز جماعت به طور مرتب برگزار می‌شود، اشکالی ندارد.

**سؤال ۲۶ -** آیا ممکن است تعداد مساجد جامع یک شهر یا روستا متعدد باشد؟

جواب: آری ممکن است.

سؤال ۲۷ - معمولاً در هر شهری مسجدی بنام «مسجد جامع» وجود دارد که در گذشته از نقاط مختلف شهر برای نماز جماعت و جمعه در آن شرکت می‌کردند. اما اکنون اختصاص به نمازگزاران همان محل پیدا کرده است. آیا به صرف اینکه اسم چنین مساجدی «مسجد جامع» است می‌توان در آن اعتکاف کرد؟

جواب: این مقدار کافی نیست، باید فعلاً هم نماز جماعت در آن به طور موقت اقامه گردد.

سؤال ۲۸ - اعتکاف در حیاط مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: اعتکاف در شبستان و سرداب و صحن مسجد جایز است؛ مگر در مواردی که جزء مسجد نیست یا ظاهر حال چنین باشد و در موارد شک حکم مسجد بر آنها جاری نمی‌شود.

سؤال ۲۹ - آیا اعتکاف در غیر مساجد جامع، مثل نمازخانه دانشگاهها، به امید مطلوبیت اشکال دارد؟ در صورت صحت، آیا احکام اعتکاف از قبیل ترک محرّمات جاری می‌شود؟

جواب: اعتکاف باید فقط در مساجد جامع باشد، و منظور از مسجد جامع، مسجدی است که به طور مرتب در آن نماز جماعت برپا می‌گردد و از اعتکاف در سایر مساجد و نمازخانه‌ها خودداری شود.

**سؤال ۳۰ -** اعتکاف در مساجد دانشگاههایی که در ایام تعطیلی نماز جماعت آن تعطیل است، چه حکمی دارد؟  
**جواب:** هر گاه چند ماه نماز جماعت در آن تعطیل شود، اعتکاف در آن اشکال دارد.

**سؤال ۳۱ -** آیا می توان نذر کرد که در شهر خاصی معتکف شد؟  
**جواب:** مانعی ندارد، زیرا در نذر رجحان در تمام قیود شرط نیست.

**سؤال ۳۲ -** اگر در شهری مسجد جامع متعدّد باشد تکلیف چیست؟

**جواب:** در تمام مساجد جامع شهر می توان اعتکاف کرد.

**سؤال ۳۳ -** آیا اعتکاف در زیرزمین مسجد جمکران، که از آن جهت نمازهای یومیّه و نماز آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) استفاده می شود (البته به صورت مرتّب نماز جماعت ندارد)، جایز است؟

**جواب:** اشکال ندارد.

**سؤال ۳۴ -** اگر اعتکاف در زیرزمین مسجد جمکران جایز باشد، در صورتی که بین طبقه پایین و بالا در ورودی باشد، آیا می توان اعمال را در طبقه بالا و خواب و استراحت را در طبقه پایین انجام داد، یا هر دو عمل باید در یک مکان باشد؟



جواب: اشکال ندارد.

سؤال ۳۵ - اعتکاف در مکانهایی که شک داریم جزء مسجد است (مثل بام، سرداب و مقداری که به مسجد افزوده شده)، چه حکمی دارد؟

جواب: آنچه مشکوک است، حکم مسجد را ندارد و اعتکاف در آن جایز نیست؛ ولی اگر مسجد، یعنی محلّ نمازگزاران را توسعه دهند، جزء مسجد محسوب می شود.

سؤال ۳۶ - آیا حیاط مسجد جمکران حکم مسجد دارد؟

جواب: ظاهراً حکم مسجد را ندارد.

سؤال ۳۷ - آیا گذاشتن وسایل، یا نامنویسی، و امثال آن موجب حقّی برای صاحبان آن نسبت به محلی از مسجد می شود؟

جواب: هر گاه صدق کند که آنجا را اشغال و ذخیره کرده، برای دیگران جایز نیست.

سؤال ۳۸ - هرگاه اعتکاف واجب خود را در مسجد بیجا آورد، سپس بفهمد اعتکاف در آنجا صحیح نبوده، اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: چنین اعتکافی مطابق فرض سؤال واجب نبوده، و کفایت از نذر و امثال آن نمی کند.

سؤال ۳۹ - اگر آجر و خاک مسجد، یا لباس معتکف غصبی باشد،

اعتکاف چه حکمی دارد؟

جواب: غصبی بودن لباس ضروری به اعتکاف نمی‌زند، ولی اگر آجر و خاک مسجد غصبی باشد، اعتکاف روی آن اشکال دارد.

سؤال ۴۰ - آیا اصل بر این است که قسمت‌های مختلف مسجد حکم مسجد را دارد، یا باید مسجد بودن هر قسمت ثابت گردد؟

جواب: عرف شهرها در این مسأله با هم مختلف است؛ مثلاً در برخی از شهرها حیاط مسجد جزء مسجد نیست، و در بعضی از شهرها جزء است. باید به عرف محل مراجعه کرد.

سؤال ۴۱ - با توجه به استقبال زیاد مشتاقین اعتکاف، و عدم ظرفیت مساجد جامع برای انجام این امر، نظر حضرت‌عالی در مورد اعتکاف در سایر مساجد چیست؟

جواب: اعتکاف باید در مسجد جامع باشد.

شرط هفتم: اجازه شوهر یا پدر

سؤال ۴۲ - اگر خانمی با استفاده از قرصهای مخصوص مانع خونریزی در ایام عادت ماهیانه شود، آیا می‌تواند معتکف گردد؟

جواب: مانعی ندارد، ولی برای این کار رضایت شوهر را جلب کند.

سؤال ۴۳ - اگر مردی به همسرش اجازه اعتکاف دهد، ولی در روز

سوم پیشیمان گردد، تکلیف زن چیست؟

جواب: زن اعتکاف را تا آخر ادامه می دهد.

سؤال ۴۴ - حکم اعتکاف کودک نابالغ، خصوصاً بعد از ورود به

روز سوم اعتکاف چیست؟

جواب: در صورتی که ممیز باشد، و شرایط اعتکاف را انجام

دهد، اشکالی ندارد.

سؤال ۴۵ - با توجه به اینکه فقها می فرمایند مستحب است میهمان

بدون جلب رضایت میزبان روزه مستحبی نگیرد، و اعتکاف بدون

روزه گرفتن محقق نمی شود، آیا میهمان بدون اجازه میزبان می تواند،

معتکف شود؟

جواب: آری مانعی ندارد.

شرط هشتم: از مسجد خارج نشود

سؤال ۴۶ - رفتن به حیاط، آبدارخانه، دفتر و دیگر قسمتهای

مسجد به هنگام اعتکاف چه حکمی دارد؟

صحبت کردن و خندیدن چگونه؟

جواب: بیرون رفتن از محلّ مسجد جز در موارد ضرورت و نیاز

جایز نیست. ولی صحبت کردن و خندیدن در هر حال ضرری به

اعتکاف نمی زند.

**سؤال ۴۷ -** چنانچه معتکف امام جماعت مسجدی، یا معلّم و دبیر و استاد، یا مهندس ناظر بنای عظیمی باشد، آیا می تواند جهت اقامه نماز جماعت، یا تدریس در ساعت خاصی از روز، یا نظارت بر حُسن اجرای کار در وقت معینی از زمان اعتکاف، از مسجد خارج شود، و پس از اتمام کار بلافاصله بازگردد؟

**جواب:** برای اعتکاف اشکال دارد.

**سؤال ۴۸ -** به هنگام اعتکاف از فوت یکی از دوستان، یا بستگان دور یا نزدیک مطلع شدم. اما خبر زمانی رسید که وی را دفن کرده بودند، و فرصت شرکت در تشییع جنازه از دست رفته بود، آیا می توانم در مراسم ختم ایشان شرکت کنم؟

**جواب:** اشکال دارد.

**سؤال ۴۹ -** آیا برای بدرقه بستگانی که به مکه مشرف می شوند، یا استقبال از آنان به هنگام بازگشت می توان از مسجد خارج شد؟

**جواب:** هرگاه این کار نسبت به او ضرورت عرفی داشته باشد، جایز است.

**سؤال ۵۰ -** عروسی یکی از بستگان نزدیک، مقارن با اعتکاف من شده است. اگر در عروسی او شرکت نکنم دلخور شده، و ممکن است کدورت خانوادگی ایجاد شود. در چنین فرضی خروج از مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: چنین فرضی از قبیل ضرورت است، و شرکت محدود در آن مانعی ندارد.

سؤال ۵۱ - در چه مواردی واجب است معتکف از مسجد خارج شود؟ اگر در مواردی که خروج واجب است، خارج نشود اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: مثلاً در مورد جنابت مرد و امثال آن، که توقّف در مسجد حرام باشد، باید خارج شود و اگر بماند اعتکافش باطل است.

سؤال ۵۲ - هرگاه معتکف در روز سوم اعتکاف، برای انجام غسل مستحبی از مسجد خارج شود، اعتکافش چه حکمی دارد؟ و بر فرض بطلان، تنها قضا لازم است، یا کفّاره هم دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی زیاد در خارج مسجد توقّف نکند.  
سؤال ۵۳ - با توجه به مشکلاتی که صرف غذا در مسجد دارد، آیا معتکفین می‌توانند در سالن غذاخوری که در محوطه مسجد است، غذا بخورند؟

جواب: اگر محوطه مسجد جزء مسجد نیست نباید از مسجد خارج شوند.

سؤال ۵۴ - آیا می‌توان برای غسل امّ داوود از مسجد خارج شد؟ بر فرض عدم جواز، اگر شخصی چنین کرده باشد چه حکمی دارد؟  
جواب: احتیاط آن است که این غسل را در مسجد بجا آورد.

**سؤال ۵۵ -** در موارد زیر اگر عمداً و از روی اختیار، در غیر موارد مجاز، از مسجد خارج شود، اعتکافش چه حکمی دارد؟  
 الف) در صورتی که جاهل به حکم باشد.  
 ب) اگر به سبب فراموشی یا اکراه باشد.  
**جواب:** در هر دو صورت اعتکافش اشکال دارد.

**سؤال ۵۶ -** آیا شرکت در مراسم و راهپیمایی‌های مهم، مانند روز قدس، ۲۲ بهمن و نظایر آن، جزء مصادیق ضرورت عرفی یا شرعی محسوب می‌شود؟

**جواب:** احتیاط آن است که معتکف در این امور شرکت نکند.

**سؤال ۵۷ -** چنانچه ایام اعتکاف مصادف با کارهای مهمی شود که فقط با حضور خود شخص انجام آن امکان‌پذیر است، مانند شرکت در جلسه کنکور، یا امتحان، یا مصاحبه جهت گزینش، یا دفاعیه پایان نامه، یا ثبت نام حج و مانند آن، که زمان آن هم قابل تجدید نیست، آیا برای این امور می‌تواند از مسجد خارج گردد؟

**جواب:** در صورتی که حکم ضرورت عرفی را داشته باشد، خارج شدن به مقدار محدود که منافات با صدق اعتکاف نداشته باشد، مانعی ندارد.

**سؤال ۵۸ -** با توجه به اینکه خروج از مسجد برای معتکف جایز نیست، لطفاً بفرمایید انجام غسل در مسجد چه حکمی دارد؟

جواب: غسل جنابت را نمی‌توان در مسجد انجام داد، چون سبب توقّف در مسجد در حال جنابت است؛ ولی غسل‌های دیگر اشکالی ندارد، مشروط بر اینکه مزاحمتی برای نمازگزاران ایجاد نکند.

سؤال ۵۹- اگر معتکف مدیون باشد و برای پرداخت دین از مسجد خارج شود، اعتکافش چه حکمی دارد؟  
جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۶۰- آیا معتکف می‌تواند به هنگام نیت اعتکاف شرط کند که هر زمان خواست از اعتکاف خارج شود؟  
جواب: جایز است در اعتکاف در آغاز نیت، شرط کند که هرگاه عذر عرفی یا شرعی برای او پیدا شد، بتواند اعتکاف را بر هم بزند؛ در این صورت هر وقت عذری پیدا شود، می‌توان آن را بر هم زند؛ حتّی در روز سوم، و کفّاره‌ای ندارد.

سؤال ۶۱- اگر کسی از روی فراموشی محلّ اعتکاف را ترک کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: خروج از مسجد عمداً موجب بطلان اعتکاف است و از روی فراموشی نیز بنا بر احتیاط چنین است؛ ولی احتیاط این است که اگر روز سوم است، ادامه دهد و اگر نذر کرده بوده، بعداً قضا کند.

**سؤال ۶۲ -** آیا معتکف می‌تواند برای انجام اموری مثل ادای شهادت، تشییع جنازه، نماز میّت از مسجد خارج شود؟ برای ضروریّات عرفی یا امور شرعی واجب یا مستحب چه حکمی دارد؟  
**جواب:** برای هر کار ضروری شرعی یا عرفی، مانند رفتن به دستشویی، غسل واجب، تهیّه ضروریّات و همچنین برای گواهی دادن در دادگاه، نماز جمعه، تشییع جنازه و عیادت مریض، می‌توان از مسجد خارج شد؛ اما برای هر کار مستحبی جایز نیست.

**سؤال ۶۳ -** شخصی که قصد دارد در مسجد الحرام معتکف شود؛ آیا می‌تواند قبل از اذان صبح در تنعیم مُحَرَّم شود و بقیّه اعمال را در حال اعتکاف انجام دهد؟ با توجه به اینکه محلّ سعی جزء مسجد نیست.

**جواب:** این مقدار اشکالی ندارد.

**سؤال ۶۴ -** خارج شدن معتکف از مسجد در موارد ذیل چه حکمی دارد؟

الف) برای وضو، غسل مستحبی و مسواک زدن.

**جواب:** برای وضو و غسل مستحبی و مسواک زدن به عنوان مقدّمه وضو اشکالی ندارد.

ب) جهت تلفن زدن به خانواده و دوستان در موارد غیر ضروری و امور متعارف.



**جواب: اشکال دارد.**

ج) جهت دیدار با خانواده در بیرون مسجد (یعنی حیاط مسجد).  
**جواب: اشکال دارد؛ مگر اینکه حیاط مسجد جزء مسجد باشد.**  
**سؤال ۶۵ -** اگر خانمی به هنگام اعتکاف عادت ماهانه شود،  
 وظیفه اش چیست؟

**جواب: باید فوراً از مسجد خارج شود و به اعتکاف خود خاتمه دهد.**

**سؤال ۶۶ -** چنانچه معتکف جهت تجدید وضو یا استحمام ناچار باشد از مسجد خارج شود، و فاصله حمام و وضوخانه مسجد تا حمام و دستشویی منزلش یکی باشد، آیا می تواند برای انجام کارهای فوق به منزلش برود؟

**جواب: تفاوتی نمی کند.**

**سؤال ۶۷ -** کسانی که مشکل خاصی از نظر تغذیه دارند، آیا می توانند جهت آوردن غذا از محلّ اعتکاف خارج شده، مجدداً باز گردند؟

**جواب: در صورت ضرورت مانعی ندارد.**

**سؤال ۶۸ -** هرگاه معتکف برای کار ضروری از مسجد خارج شود، حکم ایستادن و راه رفتن در سایه چیست؟  
**جواب: اشکالی ندارد.**

**محرمات اعتکاف:**

**سؤال ۶۹ -** آیا در حال اعتکاف می توان صیغه عقد خواند؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۷۰ -** اگر معتکف در معامله ای پول نپردازد، بلکه جنس را نسیه بخرد، یا نسیه بفروشد، یا برای معامله نائب بگیرد، یا پول را به دست خود فروشنده ندهد، یا مستقیماً پول از دست خریدار نگیرد، اعتکاف چه حکمی پیدا می کند؟

**جواب:** خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت، با نبود ضرورت برای معتکف حرام است. ولی اگر دیگری را نایب بگیرد اشکالی ندارد.

**سؤال ۷۱ -** معتکف از کسی طلبکار است، آیا می تواند طلب خویش را بازستاند؟

**جواب:** مانعی ندارد.

**سؤال ۷۲ -** پول دادن به حمامی به خاطر استفاده از حمام مستحب است؛ آیا این عمل به عنوان خرید و فروش، که مبطل اعتکاف است، محسوب می شود؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۷۳ -** با توجه به اینکه از شعر گفتن در حال اعتکاف نهی شده است، اگر معتکف در مدح اهل بیت علیهم السلام اشعاری بگوید، کار حرامی

مرتکب شده است؟

**جواب:** این کار خللی به اعتکاف وارد نمی‌کند.

**سؤال ۷۴ -** پول دادن به افرادی که معتکف نیستند، جهت خرید لوازم مورد نیاز، مثل شامپو و خمیردندان و مانند آن، چه حکمی دارد؟

**جواب:** آنچه ضروری است، مانعی ندارد.

**سؤال ۷۵ -** در مساجد معمولاً عطر می‌زنند و گریزی از آن نیست، وظیفه معتکف چیست؟

**جواب:** عمداً استنشاق نکند.

**سؤال ۷۶ -** آیا معتکف می‌تواند از صابونها و شامپوهای معطر استفاده کند؟

**جواب:** احتیاطاً پرهیز کند.

**سؤال ۷۷ -** ملاقات و گفتگوی اعتکاف کننده با اعضای خانواده اش (همسر، خواهر، مادر) در طول اعتکاف چه حکمی دارد؟

**جواب:** اشکالی ندارد.

**سؤال ۷۸ -** استفاده از غذاها، میوه‌ها، مواد شوینده و لوازم آرایشی معطر، و همچنین دستمال کاغذی‌های معطر، و خلاصه هر چیز معطر، هر چند جزء عطریات و بوی خوش به شمار نرود، برای معتکف چه حکمی دارد؟

**جواب:** در صورتی که عرفاً جزء عطریات محسوب نشود مانعی

ندارد، ولی بهتر پرهیز از آن است.

سؤال ۷۹- انجام سایر معاوضات (غیر از بیع) نظیر اجاره، شرکت، جعاله، مضاربه و مانند آن در حال اعتکاف چه حکمی دارد؟

جواب: انجام این امور نیز برای معتکف اشکال دارد.

سؤال ۸۰- بعضی از معتکفین در برخی از اوقات، که حال مناسبی برای دعا و اعمال مستحبی ندارند، به مباحثات علمی، یا سیاسی، یا اقتصادی، یا اجتماعی، یا شغلی، یا حزبی و مانند آن می پردازند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، هر چند بهتر پرداختن به عبادت و یا لااقل پرداختن به مباحثات دینی است.

سؤال ۸۱- بوییدن بوهای خوش و اشیای معطر برای معتکفی که بر اثر سرما خوردگی و مانند آن، بوها را به خوبی تشخیص نمی دهد، چه حکمی دارد؟

جواب: اگر به هیچ وجه بو را تشخیص نمی دهد اشکالی ندارد.

### مبطلات اعتکاف:

سؤال ۸۲- کدام یک از محرّمات اعتکاف، باعث بطلان اعتکاف می شود؟

جواب: پنج چیز بر معتکف حرام است:

۱- تمتّع از همسر، خواه جماع باشد یا لمس و بوسیدن، بنا بر احتیاط.

۲- استمنا بنا بر احتیاط؛ هر چند از طریق حلال باشد، مانند ملاعبه با همسر.

۳- بوییدن عطریات و بوهای خوش؛ هر چند به قصد لذّت نباشد.

۴- خرید و فروش، بلکه مطلق تجارت با نبودن ضرورت بنا بر احتیاط؛ ولی پرداختن به امور مباح دنیوی مانند خیاطی و امثال آن اشکال ندارد.

۵- جدال بر سر مسائل دینی یا دنیوی به قصد غلبه کردن بر طرف مقابل و اظهار فضیلت. و هر یک از امور فوق اعتکاف را باطل می‌کند.

سؤال ۸۳ - اگر روزه معتکف باطل شود، آیا اعتکافش نیز باطل می‌گردد؟

جواب: آری! اعتکاف او هم باطل می‌شود.

سؤال ۸۴ - اگر معتکف مرتکب فعل حرامی شود که روزه را باطل نمی‌کند، اعتکافش چه حکمی دارد؟

جواب: هر کار حرامی اعتکاف را باطل نمی‌کند؛ تنها امور خاصی اعتکاف را باطل می‌کند که در بالا آمد.

**سؤال ۸۵-** اگر اعتکاف به وسیله یکی از مبطلات و مفسدات باطل شود در صور زیر چه حکمی دارد؟

الف) در صورتی که اعتکاف، واجب معین باشد.

ب) در صورتی که اعتکاف واجب غیر معین باشد.

ج) در صورتی که اعتکاف استحبابی باشد.

و در هر صورت آیا قضای اعتکاف، واجب فوری است؟

**جواب:** هر گاه اعتکاف خود را با یکی از امور پنجگانه بالا باطل کند، اگر به سبب نذر بر او واجب معین بوده باید قضا کند. و اگر واجب غیر معین بوده و این امر در روز سوم بوده نیز باید قضا کند. و اگر در روز اول و دوم بوده لازم نیست. در ضمن، قضای اعتکاف واجب فوری نیست؛ بلکه وقت آن وسیع است.

**سؤال ۸۶-** اگر شخصی جای کسی را که معتکف بوده غصب کند، فرموده اند اعتکاف او باطل است، حال اگر جاهل یا عامد بوده و اکنون پشیمان شده، و جای خود را عوض کرده، آیا اعتکاف او صحیح است؟ و در صورت عمد آیا کفاره دارد؟

**جواب:** اگر جاهل به موضوع باشد، اعتکاف او صحیح است؛ ولی اگر غصب بودن را می دانسته و حکم اعتکاف را نمی دانسته، اعتکاف او صحیح نیست. و توبه در اینجا مشکلی را حل نمی کند.

## متفرقه:

سؤال ۸۷ - آیا طلاب و دانشجویان در ایام تحصیل می‌توانند معتکف شوند؟ در صورت جواز کدام افضل است؟

جواب: هر گاه اعتکاف به درس آنها لطمه نزند، اشکالی ندارد.

سؤال ۸۸ - گفتگو با تلفن همراه در هنگام اعتکاف چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که ضرری به اعمال اعتکاف نزند مانعی ندارد، ولی بهتر ترک آن در غیر موارد ضرورت است.

سؤال ۸۹ - آیا ازدواج یا طلاق به هنگام اعتکاف جایز است؟

جواب: اشکالی ندارد.

سؤال ۹۰ - آیا اعمالی که معتکفین در سیزدهم تا پانزدهم رجب بجا می‌آورند (نظیر اعمال امّ داوود) جزء اعمال اعتکاف است، و چنانچه کسی در ماه مبارک رمضان هم معتکف شود باید آنها را بجا آورد، یا از اعمال مخصوص ایام البیض محسوب می‌شود؟

جواب: اعتکاف در اعمال امّ داوود شرط نیست بلکه مربوط به ایام البیض است. هر چند انجام آن در حال اعتکاف بهتر می‌باشد.





فصل هشتم:

# آداب اعتكاف



## آداب اعتکاف:

علاوه بر واجبات و محرمات اعتکاف، که در بخش احکام اعتکاف گذشت، یک سلسله مستحبات وجود دارد که از آن به آداب اعتکاف تعبیر می‌شود، و به صورت پراکنده در روایات اسلامی مطرح شده است. از جمله در روایت زیر به نقل از حضرت علی علیه السلام می‌خوانیم:

«يلزم المعتكف المسجد و يلزم ذكر الله و تلاوة القرآن و

الصلاة و لا يتحدث باحاديث الدنيا و لا ينشد الشعر و لا

يبيع و لا يشتري و لا يحضر جنازة و لا يعود مريضاً و لا

يدخل بيتاً و لا يخلو مع امرأة و لا يتكلم برفث و لا يماري

احداً و ما كفّ من الكلام مع الناس فهو خير له؛ بر

معتكف لازم است در مسجد اعتکاف ببندد، و همواره به

یاد خدا باشد، و تلاوت قرآن کند، و نماز بجای آورد، و

در مورد امور دنیا سخن نگوید، و شعر نخواند، و خرید

و فروش ننماید، و در تشییع جنازه‌ای حاضر نشود، و از بیماری عیادت نکند، و از مسجد خارج نشود، و داخل خانه‌ای نگردد، و با غیر همجنس خلوت نکند، و در مورد مسائل جنسی سخن نگوید، و با کسی مرء و جدال نکند. و هر چقدر از سخن گفتن با مردم اجتناب ورزد برای او بهتر است»<sup>۱</sup>.

از پانزده مطلبی که نسبت به آن سفارش شده، یا از انجام آن نهی گشته، برخی واجب، برخی حرام، و برخی جزء آداب اعتکاف شمرده می‌شود.

حضور در مسجد، پرداختن به ذکر خدا بطور اجمالی، و مانند آن از واجبات، خرید و فروش و جدال و مانند آن از محرّمات، خواندن شعر، ترک سخن در مورد دنیا، تلاوت قرآن و مانند آن، از آداب اعتکاف می‌باشد.

البته آداب اعتکاف منحصر در آنچه در حدیث بالا آمده نیست. فقها تعلیم و تعلّم و تلاوت قرآن را مهمتر از نماز مستحبی شمرده‌اند.<sup>۲</sup> و برخی معتقدند که بهتر از همه دعا همراه با حضور قلب است.

۱. دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۲۰۶. بخشی از روایت فوق در مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۵۶۷ نیز آمده است.

۲. سلسله الینابیع الفقهیه، ج ۲۹، ص ۱۶۹.

دعایی که از نهاد انسان برخیزد و آدمی را به خداوند نزدیکتر کند، چرا که دعا مَخَّ (چکیده) عبادات است.<sup>۱</sup>

و اگر بخواهیم آداب اعتکاف را در یک جمله کوتاه خلاصه کنیم، جمله‌ای مناسبتر و رساتر از فرمایش رسول خدا ﷺ خطاب به ابوذر نمی‌یابیم. آنجا که فرمود:

«یا اباذر! کل جلوس فی المسجد لغو الا ثلاث، قراءة

مصحف، او ذکر الله او سائل عن علم؛ هرگونه نشست و

توقفی در مسجد لغو و بیهوده است، مگر اینکه اشتغال

به قرائت قرآن داشته باشد، یا مشغول ذکر و یاد خدا

باشد، و یا به مسائل علمی پردازد».<sup>۲</sup>

خلاصه اینکه از هرکاری که معتکف را از ذکر و یاد خدا غافل کند

اجتناب ورزد، و نسبت به هر عمل و گفتاری که او را به خداوند

نزدیکتر نماید، اهتمام ورزد.

۱. سلسله الینابیع، ج ۲۹، ص ۱۹۴.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۴۶۷.



فصل نهم:

# آثار اعتكاف





## آثار اعتکاف:

اعتکاف آثار و نتایج فراوانی دارد که به برخی از آنها در روایات اشاره شده، و برخی دیگر در حالات بزرگان و علما که به این ضیافت الهی بار یافته‌اند آمده، و دسته سوم از مجموعه دستورات و شرایط و آداب اعتکاف استفاده می‌شود، آنچه را معتکفان با تجربه به آن دسته یافته‌اند نیز بخش چهارم ثمرات اعتکاف است. به نمونه‌هایی از آنچه در بالا آمد توجه فرمایید.

## الف) غفران گناهان گذشته

پیامبر گرامی اسلام ﷺ که از ابتدای تشریح اعتکاف تا پایان زندگی، همواره بر این عبادت ارزشمند مواظبت می‌کرد، فرمودند:

«من اعتکف ایماناً و احتساباً غفر له ما تقدم من ذنبه؛ هر کس از روی ایمان و باور قلبی، و برای تحصیل رضایت

پروردگارش، معتکف شود، تمام گناهان گذشته‌اش  
بخشیده می‌شود».<sup>۱</sup>

چه معامله پرسودی که انسان تمام گناهان پیشین را با سه روز  
اعتکاف شستشو دهد.<sup>۲</sup>

### ب) تضمین آینده

اعتکاف نه تنها دامن انسان را از گناهان و خطاهای گذشته پاک  
می‌کند، بلکه در معتکف ایمنی خاصی ایجاد نموده، و او را نسبت به  
آینده نیز بیمه می‌کند. به روایت زیر که از حضرت رسول ﷺ نقل شده،  
توجه کنید:

«مَنْ اعْتَكَفَ يَوْمًا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ جَعَلَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ  
النَّارِ ثَلَاثَةَ خَنَاقٍ أَبْعَدَ مِمَّا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ؛ هر کس به  
منظور کسب رضایت پروردگار، یک بار معتکف شود،  
خداوند بین او و آتش جهنم سه خندق و حفره بزرگ  
ایجاد می‌کند، که فاصله هر یک تا دیگری بیش از مسافت  
بین مشرق و مغرب است».<sup>۳</sup>

۱. کنز العمال، ج ۸، ح ۲۴۰۰۶.

۲. عطای خراسانی طبق آنچه در کتاب بدایع الصنایع، صفحه ۸۲ آمده، معتقد است: مثل  
معتکف، مثل شخصی است که خود را در محضر خداوند متعال قرار داده و می‌گوید: «تا مرا  
نیامرزی اینجا را ترک نمی‌کنم!».

۳. کنز العمال، ج ۸، ح ۲۴۰۰۹.

### ج) زیارت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

حبیب بن محمد الصنعانی می گوید: خدمت علی بن ابراهیم اهوازی رسیدم، و از او در مورد آل محمد پرسیدم. علی بن ابراهیم گفت: برادر! از مسأله مهمی سؤال کردی. من بیست بار به حج مشرف شدم، و در تمام سفرها مشتاق دیدار آن حضرت بودم، ولی توفیق حاصل نشد. تا اینکه یک شب که در منزل خوابیده بودم، شخصی را در خواب دیدم که می گوید: ای علی بن ابراهیم! «خداوند به من اجازه انجام حج داده است!» آن شب متوجه معنای این سخن نشدم، و درباره این مطلب فکر می کردم، و منتظر فرارسیدن موسم حج بودم. هنگامی که زمان حج فرا رسید مقدمات سفر را مهیا نموده، و به سمت مدینه حرکت کردم. هنگامی که داخل مدینه شدم از آل محمد علیهم السلام پرس و جو کردم. اما هیچ اثری از آن حضرت نیافتم، و هیچ خبری در موردش نشنیدم. دائماً در فکر و اندیشه در مورد امورات خودم بودم، تا اینکه از مدینه خارج شده، و به سمت مکه حرکت کردم. در مسیر راه وارد جحفه شده، (و احرام بستم) و یک روز آنجا ماندم. سپس به سمت غدیر خم حرکت کردم. در مسجد منطقه غدیر نماز بجای آوردم، و پیشانی را بر خاک ساییدم، و در دعا و ابتهال کوشیدم، سپس به سمت مکه حرکت کردم و در مکه معتکف شده، و به عبادت و طواف مشغول شدم. تا اینکه یک شب به هنگام طواف جوان خوش چهره و

خوش بویی که برگرد خانه خدا طواف می‌کرد توجه مرا به خود جلب کرد، در کنارش ایستادم و به طواف ادامه دادم، به گونه‌ای که بدنم به بدنش برخورد کرد. پرسید: اهل کجایی؟ عرض کردم: اهل عراق هستم. فرمود: کدام عراق؟ عرض کردم: اهواز. فرمود: آیا ابن الخضیب را می‌شناسی؟ عرض کردم: بله! خدا رحمتش کند که دعوت حق را لیبیک گفت. فرمود: خداوند رحمتش کند... آیا علی بن ابراهیم مهزیار را می‌شناسی؟ عرض کردم: خودم هستم. فرمود: ای ابوالحسن خداوند تو را حفظ کند. علامت و نشانه‌ای که بین تو و پدرم محمد الحسن بن علی علیه السلام بود چه شد؟ عرض کردم: همراه من است. سپس آن را از جیب خود خارج کرده به ایشان نشان دادم. هنگامی که آن را دید جلوی اشک چشمانش را نگرفت، و شروع به گریه کرد، به گونه‌ای که لباسش از اشکش خیس شد. سپس فرمود: بسوی قافله ات بازگرد، و منتظر باش تا شب شود، سپس از تاریکی شب استفاده کن و در فلان مکان به ملاقات ما بیا...»<sup>۱</sup>

آری! در سایه اعتکاف ممکن است انسان به زیارت امام و رهبر خویش حضرت حجة بن الحسن العسکری علیه السلام نائل شود.

### د) عنایات خاصه

در کتاب انوار النعمانیّه مرحوم سیّد نعمت الله جزائری آمده است: آن عالم بزرگوار در سالهای قحطی و خشکسالی موادّ غذایی موجود در منزل را بین فقرا تقسیم می‌کرد، و برای خود و خانواده‌اش یک سهم همچون سایرین نگه می‌داشت. یک سال که این کار را کرد مورد خشم و غضب همسرش قرار گرفت. خانمش گفت: در چنین سال سختی فرزندانمان را رها کرده، و به مردم رسیدگی می‌کنی؟ سیّد چیزی نگفت، و برای اعتکاف به مسجد کوفه رفت. روز دوم اعتکاف سیّد، مردی به همراه چندین چهارپا که موادّ غذایی مختلفی بار داشتند، به در خانه سید رفته و موادّ غذایی را در آنجا تخلیه کرد، و گفت: این مواد غذایی را صاحب خانه فرستاده، و او اکنون در مسجد کوفه معتکف است. هنگامی که اعتکاف سیّد پایان پذیرفت و به منزل بازگشت، همسرش به وی گفت: موادّ غذایی که همراه آن اعرابی فرستاده بودی، غذای خوبی بود. سیّد شکر نعمت پروردگار را بجا آورد، در حالی که از ارسال موادّ غذایی بی خبر بود!<sup>۱</sup>

### ه) ثمرات دیگر اعتکاف

محیط خلوت و به دور از تعلّقات دنیوی که در آن چند روز برای

۱. خاتمة المستدرک، ج ۲، ص ۸۷.

عبادت و پرستش بدست می‌آید، مخصوصاً که این توفیق در خانه خدا و مسجد جامع شهر حاصل می‌شود، و فرصت مناسبی که برای تفکر و اندیشه در عمر گذشته انسان حاصل می‌گردد تا در سایه تفکر از تکرار اشتباهات جلوگیری کند و عوامل موفقیتها را تقویت نماید، و نشستن پای درد دل دیگر مؤمنین، و فکری برای حل مشکلات و معضلات آنان، و به تبع آن توجه به نعمتهای فراوانی که خداوند به وی ارزانی داشته، و «تقویت اراده» و تمرین «مبارزه با نفس» که مدّت اعتکاف چیزهای حلالی را برخورد حرام کرده و از آنها استفاده ننموده، و مانند آن، از دیگر ثمرات اعتکاف است که برای رعایت اختصار از شرح و تفصیل آن چشم‌پوشی کردیم.

### کمال اعتکاف:

اوج قلّه اعتکاف آن است که عقل و قلب و اعضا و جوارح را، فقط به سمت اعمال صالح هدایت کند، و آنها را تنها به درگاه خداوند متعال رهنمون باشد، و اراده‌اش را مقدّس و نفس سرکش را با قید و بندهایی مراقبت نماید، و کارهایی که روزه‌دار را به کمال صیام می‌رساند بجا آورد، بلکه اضافه بر آنچه شخصی روزه دارد احتیاط و مراعات می‌کند، مراعات نماید. نسبت به آنچه باعث اقبال روح و جان آدمی به خداوند می‌شود ملتزم باشد، و آنچه او را از خداوند دور می‌کند، ترک کند.

بنابراین، هر زمان معتکف در قلب و عقلش تعلق خاطری به غیر خدا پیدا کند، یا یکی از اعضا و جوارح خود را در مسیر رضایت غیر خدا بکار گیرد، به همان نسبت از اوج قلّه معرفت سقوط نموده، و اعتکافش را فاسد و بی ارزش کرده است.<sup>۱</sup>

---

۱. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۱۵۰.





فصل دهم:

## فلسفۀ اعتكاف



## فلسفه اعتکاف:

از آنجا که مصلحت قلب و روح انسان، و استقامت او در طی مسیر سیر و سلوک الی الله متوقف بر این است که رو به سوی خدا کند، و جمع آوری پراکندگیهای توجّهات قلبی تنها در سایه روی آوردن به پروردگار امکان پذیر است، و زیاده روی در خوردن و آشامیدن و آمیختن با مردم، و سخن گفتن و خوابیدن از چیزهایی است که باعث پراکندگی توجّهات قلبی می گردد، و انسان را به هر وادی می کشاند، و از سیر الی الله باز می دارد، یا حرکتش را در این مسیر کند می کند، یا او را متوقف می سازد، لهذا رحمت پروردگار متعال اقتضا کرده که با تشریح روزه مانع زیاده روی آنها در خوردن و آشامیدن شود، و قلب و روح آنان را از شهوات مانع سیر الی الله خالی کند، و البته روزه را به مقداری واجب کرده که به مصلحت انسان است، و منافع او را در دنیا و آخرت تأمین می کند، و مانع مصالح حال و آینده او نمی شود، و ضرری به وی

نمی‌رساند. و برای پیشگیری از زیاده‌روی در اختلاط با مردم اعتکاف را تشریح نمود، اعتکافی که روح و هدف آن توقّف و توجّه قلب بسوی خداوند متعال، و نجات آن از پراکندگیها و خلوت با خدا و انقطاع از مردم و اشتغال به پروردگار متعال است، تا اینکه همّ و غم قلب و روح معتکف ذکر و یاد و حبّ و توجّه به خداوند باشد، و توجّه به خالق جایگزین انس با مخلوق شود، و سراسر ذهن و فکر او را توجّه به جلب رضایت پروردگار فراگیرد، تا در نتیجه برای وحشت قبر، که هیچ انیس و یاوری جز خداوند متعال نخواهد داشت، آماده شود، و جز به دیدار خداوند خوشحال نشود، که فلسفه اصلی و مهم اعتکاف همین مطلب است. و برای جلوگیری از زیاده‌روی در گفتار، به مؤمنین دستور داده شد که زبان را از هر سخنی که برای آخرت آنها سودی ندارد نگه دارند.

و به منظور پیشگیری از افراط در خواب، تهجد نیمه شب و نماز شب، و راز و نیاز شبانه را وضع کرد.

بی‌شک اگر کسی در این چهار مورد خود را کنترل کند و از افراط و تفریط بپرهیزد، راه سیر و سلوک را به خوبی طی خواهد کرد، که ارباب ریاضات شرعیّه و رهپویان سیر الی الله بر این ارکان چهارگانه مواظبت می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱. تفسیر القاسمی، ج ۳، ص ۴۶۲.

## اعتکاف آری! انزوا هرگز:

**سؤال:** طبق آنچه در بالا گذشت یکی از اهداف و فلسفه‌های اعتکاف دوری گزیدن از مردم، و توجّه به خداست. در حالی که اسلام رهبانیت مسیحیان که چیزی شبیه اعتکاف است را نفی کرده است. همانگونه که در آیه ۲۷ سوره حدید صریحاً رهبانیت مسیحیان بدعتی شمرده شده که خداوند آن را امضا نکرده است.

و در روایات متعدّد نیز پیامبر اسلام ﷺ آن را نهی فرمودند. که می‌توانید روایات مذکور را در میزان الحکمه، جلد چهارم، حرف الراء، واژه رهبانیه مطالعه فرمایید.

خلاصه اینکه چرا اعتکاف ستوده شده، و رهبانیت مسیحیان تقبیح گشته، در حالی که مشابه یکدیگرند؟

**پاسخ: اولاً:** طبق برخی از تفاسیر، خداوند متعال رهبانیت در آیین مسیح را نفی نکرده است، چرا که رهبانیت هر چند جزء آیین مسیح نبود، بلکه پیروانش آن را ابلاغ کردند، ولی در آغاز چهره معتدل و ملایمی داشت، اما بعداً به انحراف گرایید و سر از مفسد بسیاری درآورد. و تعبیر به «فمارعوها حق رعایتها» در آیه ۲۷ سوره حدید دلیل بر آن است که اگر حق آن ادا می‌شد سنت خوبی بود. و تعبیر آیه ۸۲ سوره مائده که از «رهبانها» و «عالمان» مسیحیان راستین با نظر موافق و مثبت یاد می‌کند نیز شاهد این مدعاست. شرح بیشتر در این زمینه را در

تفسیر نمونه، جلد ۲۳ ذیل آیه ۲۷ سوره حدید مطالعه فرماید.  
**ثانیاً:** تفاوت بین رهبانیت و اعتکاف فراوان است، که نمونه بارز آن  
 بودن در مسجد جامع شهر و در میان سایر معتکفان مسلمان از شرایط  
 اصلی اعتکاف است، در حالی که قوام رهبانیت به انزوا و گوشه گیری و  
 دور بودن از مردم است.

بنابراین قیاس رهبانیت به اعتکاف قیاس نادرستی است.  
 در پایان از خداوند بزرگ می خواهیم که روز به روز بر معرفت و  
 آگاهی ما نسبت به معارف اسلامی بیفزاید، و توفیق عبادت و اطاعت  
 هر چه بیشتر، مخصوصاً اعتکاف، به همگان عنایت فرماید. آمین یا  
 ربّ العالمین.

و آخر دعوانا ان الحمد لله ربّ العالمین.

قم - حوزه علمیه - ابوالقاسم علیان نژادی

شروع: ۱۳۸۴/۵/۳

پایان: ۱۳۸۵/۴/۲۷